

روایتی کوتاه از چگونگی شکل‌گیری حزب وحدت اسلامی افغانستان

سرور دانش*

اشاره

این مقاله یک نوشته تحقیقی یا علمی با ویژگی‌های لازم مقالات علمی نیست؛ بلکه روایتی است برای بیان شکل‌گیری یک جریان سیاسی به نام «حزب وحدت اسلامی افغانستان» در سال ۱۳۶۸. در این روایت تنها به ذکر اسناد و رویدادهایی که در داخل یا در خارج کشور منتهی به تشکیل این حزب شد، پرداخته شده و به‌طور عمده از یادداشت‌هایی استفاده شده که در همان سال‌ها تهیه کرده بودم. هم‌چنین، این مقاله تاریخ کامل این حزب را نیز انعکاس نمی‌دهد و تنها به مقطع زمانی تأسیس این حزب می‌پردازد. تاریخچه کامل حزب وحدت نیاز به تحریر کتاب قطوری دارد که باید در فرصت مناسب تدوین شود.

مقدمه

سال ۱۳۶۷، یک سال پر از تلاش و کوشش و تحرک برای گروه‌ها و نیروهای سیاسی و جهادی هزاره‌ها و شیعیان افغانستان بود. در این سال، از یک‌سو شورای ائتلاف اسلامی که مقر اصلی آن در تهران بود، دیپلماسی فعال و موفق را در راستای مذاکرات با سایر گروه‌ها و جوانب دخیل در مسئله افغانستان دنبال می‌کرد و برای گروه‌های شیعی افغانستان موقعیت و جایگاه شایسته و مناسبی را در

* پژوهشگر، استاد دانشگاه و معاون دوم رئیس‌جمهور افغانستان.

صحنه سیاسی پدید آورده بود و از سوی دیگر، جمعی از سران احزاب و گروه‌های شیعی، استراتژی «وحدت و ادغام کامل سیاسی و تشکیلاتی» گروه‌ها را پی‌ریزی نموده، فعالیت وسیعی را برای تحقق آن در داخل و خارج کشور آغاز کردند که پس از یک سال تلاش، این فعالیت‌ها به ثمر نشست و در سال ۱۳۷۸، حزب وحدت اسلامی افغانستان تأسیس شد و در سال ۱۳۶۹، شورای ائتلاف اسلامی، به‌طور رسمی جای خود را به حزب وحدت اسلامی سپرد و آرم آن که هشت دست درهم‌تنیده را به عنوان ائتلاف گروه‌های عضو نشان می‌داد، با تغییرات اندکی تبدیل به آرم حزب وحدت اسلامی شد.

۱. اولین جرقه، کنگره پنجاب

در سال‌های قبل از تشکیل حزب وحدت، در هزاره‌جات و مناطق شیعه‌نشین، منازعات و حتی درگیری‌های خونین بین احزاب جهادی جریان داشت. بدین جهت، جمعی از رهبران سازمان نصر و در رأس آنان استاد شهید مزاری، از خارج افغانستان به داخل کشور آمدند تا هم جبهات و پایگاه‌های سازمان نصر را مورد بازرسی قرار دهند و هم از اختلافات و منازعات موجود بین گروه‌ها جلوگیری کنند و زمینه یک نوع تفاهم و یا اتحاد این نیروها را فراهم سازند و لذا استاد مزاری بعد از سفر و دیدن از همه مناطق هزاره‌جات در ولایت بلخ مستقر شد و آقای قربانعلی عرفانی در بامیان، ناطقی شفاپی و مصطفی اعتمادی در ارزگان (دایکندی فعلی)، صادقی پروانی و استاد شفق در پروان و میدان و سید عباس حکیمی در غزنی و از همین جا بود که تماس‌ها و مشوره‌ها در سطح ولایات مختلف آغاز شد.

در ماه سرطان ۶۷، با پیشنهاد و ابتکار رهبران سازمان نصر و پاسداران جهاد، مخصوصاً آقای قربانعلی عرفانی یکه‌ولنگی و آقای محمد اکبری، دو تن از چهره‌های برجسته سیاسی و جهادی، طرح تشکیل «کنگره سراسری مجاهدین مناطق مرکزی» به‌منظور بررسی اوضاع جاری کشور، مهار کردن اختلافات و درگیری‌های داخلی و زمینه‌سازی برای اتحاد گروه‌های اسلامی، مورد بحث و تصویب قرار گرفت و محل برگزاری آن هم مرکز ولسوالی پنجاب در ولایت بامیان در نظر گرفته شد و این اولین جرقه وحدت‌گرایی و اولین گام جدی و فوری و روشن در مسیر وحدت‌طلبی بود و مهم‌ترین نقطه مثبت آن، این بود که از متن مردم و جبهات جهادی داخل کشور آغاز شده بود.

کنگره سراسری مجاهدین مناطق مرکزی در تاریخ ۲۱ تا ۲۳ سرطان ۶۷، به مدت سه روز، در پنجاب برگزار شد و روز ۲۴ سرطان هم به‌عنوان سالروز شهادت علامه شهید سید اسماعیل بلخی مورد تجلیل قرار گرفت؛ زیرا ایام شهادت بلخی برای این کنگره آگاهانه انتخاب شده بود.

یک نگاه اجمالی به وضعیت عمومی این کنگره و مهمانان شرکت‌کننده و تعداد سخنرانان و گرداندگان جلسه نشان می‌دهد که این کنگره به تناسب شرایط آن زمان و بر اساس اهداف اولیه و

ابتدایی طرح، از ترکیب و موقعیت شایسته‌ای برخوردار بوده و توأم با صداقت و اخلاص بوده است؛ زیرا هیأت‌رئیسۀ کنگره عبارت بودند از: آقایان میرحسین صادقی پروانی و قربانعلی عرفانی، دو تن از شخصیت‌های طراز اول سازمان نصر افغانستان، و آقایان محمد اکبری و ضامن علی محقق، دو تن از چهره‌های برجستۀ پاسداران جهاد اسلامی افغانستان. اعضای شرکت‌کننده به‌طور عمده از دو گروه سازمان نصر و پاسداران جهاد اسلامی افغانستان بودند؛ اما با این ویژگی که از ولایات و مناطق مختلف هزاره‌نشین مثل بامیان، دایکندی، ارزگان، غور، بلخ، سمنگان، پروان، میدان و مناطق دیگر، گردهم آمده بودند.

تکیۀ اصلی در همهٔ سخنرانی‌ها بر ضرورت وحدت گروه‌ها و بررسی مشکلات و موانع اتحاد بود و همگی به اتفاق آراء از این طرح استقبال نموده و بر پیگیری و اجرای آن تأکید ورزیدند و در قطع‌نامهٔ پایانی، ضمن حمایت از مواضع و فعالیت‌های شورای ائتلاف، خواستار توقف درگیری‌های داخلی و ایجاد وحدت گروه‌های اسلامی شدند. متن قطع‌نامهٔ کنگرهٔ سراسری مجاهدین مناطق مرکزی یکی از اسناد مهم جریان وحدت است که هم‌اکنون هم موجود است و به‌دلیل طولانی شدن، از ذکر متن آن صرف نظر می‌کنیم.

در پایان کنگرهٔ یادشده، کمیسیونی برای پیگیری اتحاد و اجرای مواد قطع‌نامه تشکیل شد و این کمیسیون در جلسهٔ ۱۳۶۷/۴/۲۵، با ارزیابی نتایج کنگره، تصمیمات ذیل را اتخاذ نمود:

۱. اتخاذ و ادغام کامل دو گروه سازمان نصر و پاسداران جهاد در مرحلهٔ اول و اتحاد همهٔ گروه‌های شیعه در قدم بعدی عملی شود؛ **نیاد اندیشه**
۲. برای بررسی نهایی این اتحاد، جلسهٔ عمومی مرکب از کلیۀ مسئولین و فرماندهان این دو جریان به تاریخ ۱۰ سنبلۀ ۶۷ در مرکز لعل تشکیل شود؛
۳. برای فرونشاندن اختلافات و درگیری‌هایی که در مناطق مختلف جریان داشت، هیأت‌هایی اعزام شود که عملاً هم این اقدام صورت گرفت؛
۴. نامه‌ای با امضای مسئولین دو جریان خطاب به کلیۀ اعضا و نظامیان و هواداران دو طرف نوشته و فرستاده شد که در ایجاد هماهنگی و زمینه‌سازی برای وحدت بسیار مؤثر بود. متن آن نامه قرار ذیل است:

«بدین وسیله، به استحضار کلیۀ مسئولین، افراد، اعضا و هواداران راستین پاسداران جهاد اسلامی و سازمان نصر رسانیده می‌شود: تصمیم قاطع و جدی گرفته شده تا اتحاد کامل بین پاسداران جهاد و سازمان نصر در قدم اول و اتحاد تمام نیروهای مؤمن و

مبارز کشور در آینده بسیار نزدیک تحقق یابد. بناءً از شما خواسته می‌شود خود را برای یک جریان‌شدن و اتحاد کامل قولاً و عملاً آماده کرده و از هرگونه اقدام و موضع‌گیری که رسیدن به این هدف مقدس را به تأخیر بیندازد، خودداری نمایید. هرگونه تخلف مسئولیت دارد.»

محل امضای محمد اکبری و قربانعلی عرفانی

تصامیم فوق در داخل و خارج کشور، بین اعضای دو گروه یادشده و سایر گروه‌ها، بازتاب‌ها و موضع‌گیری‌های متفاوت و گوناگون ایجاد کرد؛ اما در عین حال که همگی از عمق دل، تحقق اتحاد را انتظار می‌کشیدند؛ ولی کم‌تر کسی فکر می‌کرد که واقعاً این آرزو برآورده شود و جریان وحدت‌گرایی در عمل هم موفقیت پیدا کند.

۲. گام دوم، امضای منشور وحدت

کنگرهٔ پنجاب با این که یک ابتکار قابل قدر بود؛ اما نواقصی هم داشت: اول این که این کنگره منحصر به دو گروه پاسداران و سازمان نصر بود و دوم این که در سطح همین دو گروه هم جمعی از مسئولین بلندپایه و نمایندگان مناطق زیادی، از جمله ارزگان، در این کنگره اشتراک نداشتند و از این رو، تردید زیادی وجود داشت که آیا در جلسهٔ لعل این نواقص رفع می‌شود یا نه؟

البته، در جلسهٔ لعل، نسبت به مسئلهٔ اول، یعنی اشتراک سایر گروه‌ها، اقدامی صورت نگرفت؛ اما نسبت به مسئلهٔ دوم، حرکت مهمی انجام شد و جمعی از افراد و عناصر مهمی که در کنگرهٔ پنجاب نبودند، در این جلسه حضور یافتند که اسامی عدمی از آنان به قرار ذیل است:

از ولایت ارزگان: آقایان ناطقی شفایی و مصطفی اعتمادی، موسوی، واعظزاده، فیاض و دانش لذیر از سازمان نصر؛ و آقایان شهید صادقی نیلی، امینی اشترلی، صادقی، افکاری شهرستانی، اعتمادی بیری و فاضل از پاسداران جهاد.

بنیاد اندیشه
تأسیس ۱۳۹۴

از ولایت جوزجان: آقایان فاضل حجت، امیری و سجادی از سازمان نصر؛ و آقایان حسن‌رضا عادل و عبدالحق شفق از پاسداران جهاد.

از ولایت غور: آقایان مبلغ، سید بحر، امان‌الله اخلاقی و صفر احسانی از پاسداران جهاد؛ و آقایان حسین صابری، شهید عبدالحمید سجادی، اعتمادی، حسینی و حامدی از سازمان نصر.

از ولایت میدان: آقایان شهید ابراهیمی و شهید محمدی از سازمان نصر؛ و آقایان ضامن‌علی محقق،

علوی و محمدی از پاسداران جهاد.

از ولایت بامیان: آقایان محمد اکبری، حیدر محقق و عباس احسانی از پاسداران جهاد؛ و آقایان قربانعلی عرفانی، تقدسی، حکیمی و حاجی امیر حیدری از سازمان نصر.

از ولایت پروان: آقایان صادقی، هادی، معلم حسینی و انجنیر فتاح از سازمان نصر؛ و آقایان سید واعظ، حاجی حکمت و سید دلیر از پاسداران جهاد.

از ولایت لوگر: آقای سید حسن.

از ولایت بلخ: آقایان حاجی محمد محقق، انجنیر خالد و حاجی مصعب.

از سمنگان: آقای کاظم جعفری از نصر؛ و غلام رسول دره‌صوفی از پاسداران جهاد.

قابل تذکر است که از ولایت غزنی هیچ‌یک از نمایندگان و مسئولین نصر و پاسداران نه در کنگره پنجاب حضور داشتند و نه در جلسه لعل و دلیل این امر هم تشنجات موجود در ولایت غزنی و بسته‌بودن راه‌ها بود؛ اما از ولایات دیگر اکثر مسئولین و نمایندگان هردو گروه، حضور یافته بودند.

جلسه لعل با چند روز تأخیر از موعد مقرر، به تاریخ ۱۳۶۷/۶/۱۶، در یک فضایی سرشار از معنویت و صداقت برگزار شد که اتحاد کامل سازمان نصر و پاسداران جهاد در قدم اول و اتحاد سایر گروه‌های عضو ائتلاف در مرحله بعدی، مورد تصویب قرار گرفت و قطع‌نامه‌ای تحت عنوان «منشور وحدت» در ۱۲ ماده به امضا رسید. با حذف مقدمه، متن ۱۲ ماده قرار ذیل است:

۱. اتحاد کامل سازمان نصر افغانستان و پاسداران جهاد اسلامی افغانستان، تلاش پیگیر برای اتحاد سایر نیروهای شیعی مؤتلفه و جذب نیروهای سالم شیعی؛
۲. اقدام برای تشکیل شورای مرکزی نیروهای شامل در چهارچوب اتحاد بعد از ختم جلسه بیستم سنبله در میدان؛
۳. بعد از تشکیل شورای مرکزی اتحاد، انحلال تشکیلات سابقه هردو نهاد و الغای عناوین و آرم‌ها؛
۴. سپردن امور تشکیلات بعدی بر اساس لیاقت، شایستگی، سابقه مبارزاتی و تعهد اسلامی؛
۵. تصفیة دقیق و حساب‌شده افراد نامطلوب از چوکات اتحاد؛
۶. اتخاذ مواضع فکری، سیاسی و عملی و... در چوکات اصل ولایت فقیه؛
۷. تلاش برای اتحاد کامل نیروهای مبارز مسلمان افغانستان اعم از شیعی و سنی؛
۸. مبارزه با عوامل متنافی تداوم وحدت؛

۹. تشدید عملیات علیه اشغالگران روسی، دولت الحادی کابل و عوامل داخلی آن؛
۱۰. ادامه مبارزه تا تشکیل حکومت اسلامی در افغانستان؛
۱۱. مبارزه با اندیشه‌های انحرافی و التقاطی و هرگونه وابستگی به شرق و غرب؛
۱۲. همبستگی با نهضت‌های اسلامی و حمایت از جنبش‌های ضد استکباری جهان.

محل امضای مسئولین پاسداران جهاد اسلامی:

محمد اکبری، شفق سرپلی، محمدحسین صادقی نیلی، افکاری شهرستانی، حیدر محقق
ورسی، صادقی شهرستانی، سید علی بهسودی و حسن رضا عادل

محل امضای مسئولین سازمان نصر:

قربانعلی عرفانی، میرحسین صادقی پروانی، سید حجت فاضلی، سید عبدالحمید سجادی،
حاجی محمد محقق، محمدکاظم جعفری، عیدمحمد ابراهیمی و حسین صابری

متن منشور اتحاد به تاریخ ۱۳۶۷/۶/۱۸، در یک جلسه عمومی با حضور مردم لعل قرائت شد. آنچه از جریان جلسه لعل به دست می‌آید، این نکته است که این جلسه، موضوع وحدت را به صورت جدی‌تر و در سطح امضای مسئولین دو طرف مطرح کرد و این خود گامی بسیار بلند و مؤثر و از نظر افکار عمومی غیر منتظره بود.

۳. تلاش برای توسعه اتحاد در جلسات بهسود

در جلسه لعل تصویب شد که جلسه بعدی به تاریخ ۲۰ سنبله ۶۷، در بهسود برگزار شود و هم‌چنین تأکید به عمل آمد که در جلسه بهسود از نمایندگان سایر گروه‌های شیعی نیز دعوت شود و آنان نیز در جلسه شرکت نمایند تا اتحاد توسعه یافته و غیر از نصر و پاسداران، گروه‌های دیگر را نیز در بر بگیرد.

بر این اساس، با دو روز تأخیر، جلسه موعود به تاریخ ۱۳۶۷/۶/۲۲، در پایگاه شهید قاسمی، واقع در حصه اول بهسود، دایر شد. در این جلسه، مسئولین و نمایندگان پاسداران جهاد اسلامی، حرکت اسلامی، نهضت اسلامی، نیروی اسلامی، نیروی صلح و سازمان نصر به ترتیب ذیل شرکت کرده بودند:

از حرکت اسلامی: آقایان سید موحد سنگلاخی، محمد فیاض ارزگانی، رضوانی بامیانی، حسینی، سید حسین انوری، داکتر صادق مدبر، هاشمی مسئول پایگاه ۱۴، سید زکی بامیانی، عظیمی مسئول پایگاه ۷ ترکمن، فداکار مسئول نظامی لوگر و اسدی لولنج.

از سازمان نصر: آقایان میرحسین صادقی پروانی، خادم حسین ناطقی شفایی، قربانعلی عرفانی، هادی، پهلوان حر، فروتن، ابراهیمی، نوید، زکی، فهیمی، بصیر، شفیق، شفق، مصطفی اعتمادی، واعظزاده، فیاض، حاجی محمد محقق، مصعب، اشرف، حجت فاضل، امیری، دلجو، معین، انتظار، عبدالحمید سجادی، حیدری پنجابی و حکیمی ورسی.

از پاسداران جهاد: آقایان ضامن‌علی محقق، محمد اکبری، حسن‌رضا عادل، فصیحی شهرستان، احمدی جرجی، عباسی بامیان، نهضت پنجاب، جوادی، مبارز، حلیمی سنگ‌شاند، باقری، علوی، سید مصطفی کاظمی، محمدی، افکاری و صادقی شهرستان.

از نیروی اسلامی: آقایان فاضلی، اسلم عاشوری و قائمی.

از نهضت اسلامی: آقایان سید باقری و افضلی جاغوری.

جلسه دوم بهسود هم به تاریخ ۱۳۶۷/۶/۲۳، در پایگاه حرکت اسلامی در آب نقره سیاه‌سنگ برگزار شد و سرانجام، بعد از دو روز بحث و مذاکره، سازمان نیروی اسلامی و هم‌چنین نیروی صلح که در بهسود فعالیت داشتند، به اتحاد سازمان نصر و پاسداران جهاد پیوستند و جریان اتحاد دامنه بیش‌تری یافت؛ اما نمایندگان حرکت اسلامی و نهضت اسلامی، پیوستن به اتحاد را به نظرخواهی و مشورت با مسئولین و رهبران خود که در خارج، یعنی ایران بودند، موکول کردند و از این رو، تصویب به عمل آمد که جلسه بعدی دو ماه بعد، به تاریخ ۱۵ عقرب ۱۳۶۷، در مرکز ولسوالی شهرستان برگزار شود و هردو گروه یادشده در آن جلسه نظر نهایی خود را مشخص و ابلاغ نمایند.

گروه‌هایی که اتحاد را قبول کرده بودند، جلسات خود را در بهسود دنبال کردند و در ابتدا اعضای شورای مرکزی اتحاد را با تصویب ۹ نفر از پاسداران و دو نفر از نیروی اسلامی تعیین کردند و سپس نامه‌ای به آیت‌الله بهشتی، رئیس شورای اتفاق، فرستادند و از ایشان که در آن زمان در ناهور بود، دعوت به اتحاد کردند و از سوی دیگر، آقایان حسین صابری لعلی و شیخ حیدر محقق ورسی را مأموریت دادند که به ایران آمده و جریان اتحاد گروه‌ها را به گوش مهاجرین و به اطلاع مسئولین گروه‌ها برسانند.

قابل یادآوری است جلسه بعدی که بنا بود در ۱۵ عقرب در شهرستان دایر شود، به دلیل حضور نیافتن نمایندگان حرکت اسلامی، برگزار نشد و از این رو، جمعی از مسئولین اتحاد هم‌چون: آقای عرفانی، آقای اکبری، آقای صادقی پروانی، آقای قاسمی و سید جوادی از بهسود راهی غزنی و جاغوری شدند تا جریان مذاکره با سایر گروه‌های شیعی را در جاغوری پیگیری نمایند.

۴. جلسات جاغوری گامی بزرگ‌تر برای توسعه اتحاد

در تاریخ ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۳ و ۱۳۶۷/۹/۱۴، جلسات مهم و سنگینی در جاغوری دایر شد که به علاوه گروه‌های قبلی که متحد شده بودند، نهضت اسلامی افغانستان و جبهه متحد انقلاب اسلامی افغانستان نیز به اتحاد پیوستند و در جلسات خود، تعداد اعضای شورای مرکزی، شرایط اعضا، مقر شورا و شروع کار آن را تصویب کردند. در مجموع جلسات جاغوری، سه مصوبه به امضا رسید که به دلیل اهمیت آن‌ها و لزوم واقعی و مستند تحولات، متن هر سه را در ذیل نقل می‌کنیم.

اولین مصوبه، «پیمان اتحاد» است که در جاغوری امضا شد و متن آن قرار ذیل است:

بسم الله الرحمن الرحيم

و اعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا (قرآن کریم)

اکنون که به حول و قوه خداوند و در اثر استقامت و پایداری ملت مسلمان و غیور افغانستان، آخرین بقایای روس‌های متجاوز، سرافکنده و شکست‌خورده از افغانستان در حال خارج شدن است و ملت مسلمان در آستانه پیروزی قرار دارند، مسئولین احزاب و سازمان‌های اسلامی و علمای اعلام در ادامه جلسات قبلی که برای تعیین سرنوشت ملت مسلمان در افغانستان به عمل آوردند، سرانجام در جلسه تاریخی ۱۳۶۷/۹/۱۰، که در جاغوری به عمل آمد، مسئولین پاسداران جهاد اسلامی، سازمان نصر افغانستان، نهضت اسلامی افغانستان، جبهه متحد، نیروی اسلامی، نیروی صلح و علمای اعلام، در اصل اتحاد اعلان آمادگی نمودند و اتحاد را به عنوان یک اصل ضروری در شرایط فعلی پذیرا شدند و از سایر نهادهای مؤمن و مسلمان که در جلسات فوق حضور نداشتند، صمیمانه دعوت به عمل می‌آید که در این اتحاد شرکت نموده، به دستور قرآن کریم چون بنیان مرصوص در مقابل دشمنان اسلام قرار گیرند.

بنیاد اندیشه
تأسیس ۱۳۹۴

و من الله التوفیق

۱۳۶۷/۹/۱۰

محل امضای آقایان: میرحسین صادقی، سید جوادی، نوری، قربانعلی عرفانی، قائمی، بیانی
یکه‌ولنگی، محمد اکبری، شفق جاغوری، اخلاصی، بلاغی غزنوی، عبدالاحمد فیاض، عباس
حکیمی، سعیدی، تقدسی، اسحاق محبی، برهانی، صادقی جاغوری، افضل‌ی و سید باقری.

مصوبه دوم درباره کمیّت و کیفیت اعضای شورای مرکزی اتحاد بود که متن آن چنین است:

بسمه تعالی

بعد از امضای موافقت‌نامه اتحاد، جلسات متعددی درباره کمیّت و کیفیت شورای مرکزی اتحاد بحث و مذاکرات جدی صورت گرفت که سرانجام به تاریخ ۱۳۶۷/۹/۱۲، به اتفاق آرا به تصویب ذیل رسیدند:

۱. اعضای شورای مرکزی بین سازمان‌های امضاکننده این کتیه، ۳۶ نفر معین گردید.

۲. اعضای شورای مرکزی به ترکیب زیرین تشکیل می‌گردد:

الف. از پاسداران جهاد اسلامی ۹ نفر؛

ب. از سازمان نصر افغانستان ۹ نفر؛

ج. از نهضت اسلامی افغانستان ۷ نفر؛

د. از جبهه متحد انقلاب اسلامی افغانستان ۶ نفر؛

هـ. از نیروی اسلامی افغانستان ۵ نفر.

هم‌چنین، در این جلسه فیصله شد که مقر شورای مرکزی، شهر مهم و تاریخی بامیان باشد.

محل امضای آقایان: میرحسین صادقی، بلاغی، غزنوی، قربانعلی عرفانی یکه‌ولنگی، فیاض جاغوری، محمد اکبری، صادقی جاغوری، قائمی، جوادی، افضل‌ی جاغوری، محبی جاغوری، عباس حکیمی، سعیدی و سید باقری.

مصوبه سوم که در این جلسات به تصویب رسید، جزئیات بیش‌تری درباره اعضای شورای مرکزی و اسامی آنان است که متن آن در ذیل تقدیم می‌شود.

بسم الله الرحمن الرحيم

در تداوم جلسات هیأت اتحاد در جاغوری، برای پیگیری و تثبیت پایه‌های اتحاد بین سازمان‌های اسلامی در مناطق شیعیه‌نشین افغانستان، در جلسات مورخ ۱۳ و ۱۳۶۷/۹/۱۴ مواد ذیل به اتفاق آرا تصویب شد:

ماده اول: اعضای شورای مرکزی به شرح ذیل معرفی و تعیین گردید:

الف. از سازمان نصر: آقای عبدالعلی مزاری، آقای سید عباس حکیمی غزنی، آقای قربانعلی عرفانی یکه‌ولنگی، آقای خادم حسین ناطقی کیان، آقای محمدیوسف واعظی شهرستان، آقای عزیزالله شفق بهسود، آقای محمد کریم خلیلی بهسود، آقای محمد ناطقی پنجاب، آقای میرحسین صادقی ترکمن.

ب. از پاسداران جهاد اسلامی افغانستان: آقای محمدحسین صادقی نیلی، آقای حسین داد امینی اشترلی، آقای حاج غلام حسین شفق شمال، آقای حسین نوری شولگره، آقای قربانعلی محقق ترکمن، آقای ضامن علی محقق میدان، آقای علی زاهدی ناهور، آقای محمد اکبری ورس.

ج. از نهضت اسلامی افغانستان: آقای علی افتخاری جاغوری، آقای یوسف زکی جاغوری، آقای محمداسحاق اخلاقی هرات، آقای سید سجادی کجران، آقای حلیمی ناهور.

تبصره: جبهه متحد انقلاب اسلامی، نیروی اسلامی و حزب دعوت اتحاد اسلامی افغانستان بعداً نمایندگان خود را معرفی خواهند کرد و ضمناً دو نفر باقیمانده از نهضت اسلامی نیز بعداً معرفی خواهند شد.

ماده دوم: اصل داشتن عضو علی‌البدل برای اعضای شورای مرکزی تصویب شد؛ متنها در سه ماه اول باید اعضای اصلی در شورای مرکزی حضور داشته باشند و داشتن شرایط اعضای اصلی برای اعضای علی‌البدل ضروری است.

ماده سوم: برای حزب دعوت اسلامی در شورای مرکزی سه نفر تصویب شد.
ماده چهارم: برای رسمیت یافتن جلسات شورای مرکزی، حداقل افرادی که از سازمان‌ها باید شرکت نمایند، به شرح ذیل تصویب گردید:

الف. از سازمان نصر و پاسداران جهاد اسلامی، هریک حداقل سه نفر؛
ب. از نهضت اسلامی و جبهه متحد انقلاب اسلامی هریک حداقل دو نفر؛
ج. از نیروی اسلامی و حزب دعوت اتحاد اسلامی هریک حداقل یک نفر.
ماده پنجم: شروع کار شورای مرکزی در مقر تعیین شده (بامیان) پانزدهم برج جدی سال جاری (۱۳۶۷) تعیین و در صورت نرسیدن برخی از اعضای شورا، جلسه باید شروع به کار نماید.

محل امضای آقایان: جوادی، افضل جاغوری، صادقی جاغوری، صادقی، حلیمی، بلاغی

غزنوی، اکبری، نقوی، فیاض جاغوری، قائمی، باقری جاغوری، عرفانی یکه‌ولنگی، محبی جاغوری.

۵. اعزام نماینده به خارج

جلسات جاغوری که با موفقیت برگزار شد و زمینه واقعی یک اتحاد کامل بین گروه‌های شیعی را فراهم ساخت، در پایان کار خود، آقای قربانعلی عرفانی یکه‌ولنگی را مأموریت داد که به جمهوری اسلامی ایران آمده و نامه و پیام اتحاد داخل را با مسئولین گروه‌هایی که در ایران اقامت داشتند، در میان بگذارد.

استاد عرفانی با این که حامل نامه‌های فوق بود و انصافاً هم با جدیت مذاکرات خود را با گروه‌ها و اعضای ائتلاف پیگیری نمود و در پی جلسات متعدد در تهران و قم، «کمیسیون پیگیری اتحاد» را مرکب از نمایندگان همه گروه‌ها تشکیل داد؛ ولی چندان موفقیتی نداشت؛ زیرا در خارج هنوز کسی باور نمی‌کرد که در داخل کشور واقعاً بین گروه‌ها اتحاد صورت گرفته باشد و از سوی دیگر، با توجه به این که شورای ائتلاف در اوج فعالیت‌های سیاسی خود قرار داشت و در خارج کشور موقعیت شایسته‌ای هم پیدا کرده بود، عده‌ای فکر می‌کردند که نشود هم شورای ائتلاف تضعیف و منحل شود و هم طرح اتحاد به جایی نرسد و از هردو محروم شویم و لذا هیچ‌یک از گروه‌ها و سران آنان در ایران، اتحاد را جدی نگرفتند و پاسخ روشنی به نامه‌های داخل ندادند و از طرف دیگر، در خارج کشور هنوز افکار عمومی مهاجرین و طلاب و علما هم به سوی اتحاد معطوف نشده بود و تبلیغات هم صورت نگرفته بود و شاید در آن زمان اولین اعلامیه‌ای که به طرفداری از اتحاد در سطح قم و تهران منتشر شد و جو سکوت را شکستاند، اعلامیه‌ای بود که این حقیر (سرور دانش) با مشورت جمعی از دوستان، به تاریخ ۱۳۶۷/۸/۱۱ منتشر کردیم. متن آن اعلامیه چنین بود:

از اتحاد گروه‌های عضو شورای ائتلاف حمایت می‌کنیم

موقعیت‌شناسی در انقلاب از اصول بسیار لازم و ضروری برای انقلابیون مسلمان است. کسی که نمی‌داند در چه موقعیت زمانی و در چه شرایط سیاسی-اجتماعی قرار گرفته و نمی‌داند در کدام مرحله حساس تاریخ به سر می‌برد، نمی‌تواند سنگ مبارزه و رهبری یک جنبش را به سینه بزند؛ بنابراین، همه رهبران، گروه‌ها و مبارزان ما باید بدانند که امروز در موقعیتی به سر می‌برند که برای حل مشکلات و شکستن بن‌بست‌ها و تسریع در پیروزی، هیچ راهی جز اتحاد و ادغام کامل نیروها، اندیشه‌ها و امکانات

ندارند. همه ما و شما به ضرورت این اقدام باور و ایمان داریم و هیچ‌گونه توضیح و تحلیلی لازم ندارد. بر این اساس و با توجه به این که اکثریت و بل همه طرح‌های قبلی تا به کنون در ارتباط با ایجاد هماهنگی و اتحاد فاقد موفقیت عملی بوده است، لذا از اقدام بسیار مثبت و به‌جا و انقلابی و اسلامی که در داخل کشور صورت گرفته و آینده درخشان اتحاد کامل همه نیروها و گروه‌های شیعی را نوید می‌دهد، حمایت و پشتیبانی کامل خویش را اعلام می‌داریم.

۱. ما از همه گروه‌های عضو شورای ائتلاف عاجزانه می‌خواهیم که به این ندای خیرخواهانه و حق‌طلبانه لبیک گفته و بدون بهانه‌تراشی‌ها و تحلیل‌های پوچ و واهی، به فریاد مظلومانه ملت مسلمان پاسخ مثبت دهند و با الغای کلیه نشان‌ها و مشخصات گروهی، تشکیلات جدید و نیرومند و انقلابی واحدی به وجود بیاورند.

۲. ما از همه مردم مسلمان افغانستان و علما و فضلا و طلاب جوان و دردمند حوزات علمی و کارگران و مهاجرین عزیز می‌خواهیم که با اقدام فوری از این طرح اعلام حمایت کرده و با فشار وارد کردن بر دفاتر و نمایندگی‌های گروه‌ها، آنان را وادار به قبول این طرح نمایند و هوشیارانه از جوسازی‌ها و شایعه‌پراکنی‌ها که قطعاً توسط عده‌ای خائن و منافق و مزدور صورت می‌گیرد، جلوگیری کنند.

۳. ما به بدخواهان، خودخواهان و قدرت‌طلبانی که همواره حفظ موقعیت و مقام خود را در وجود اختلافات و انشعابات می‌دانند، هشدار می‌دهیم که بیش از این جوسازی و تبلیغات سوء نکنند، دست از سر ملت مظلوم بردارند و به‌خاطر خدا و خون شهدا، شرارت و شایعه‌پراکنی نکنند و بگذارند این طرح به موفقیت برسد.

۴. ما سکوت و سستی گروه‌ها، مخصوصاً گروه‌هایی را که طبق گزارش رسیده این طرح را قبول و امضا هم کرده‌اند، جایز نمی‌شماریم و باید فوراً اقدامی را در این رابطه مبذول دارند و ضمناً تأکید می‌کنیم که این طرح برای اتحاد کلیه نیروها و گروه‌های شیعی در نظر گرفته شده و کسانی که آن را منحصر به یک یا چند جریان به‌خصوص تبلیغ می‌کنند، قطعاً مغرض خواهند بود.

والسلام علی من اتبع الهدی

جمعی از طلاب و فضایی پاسداران جهاد اسلامی افغانستان و سازمان نصر افغانستان
و جمعی از طلاب و مهاجرین بی‌طرف و غیر گروهی

۶۷/۸/۱۱ - قم

این اعلامیه‌ها در آماده‌سازی و تحریک افکار عمومی بسیار مؤثر بودند؛ اما از آن‌جا که تصمیمات اصلی باید توسط سران و رهبران گروه‌ها اتخاذ می‌شد و آنان هنوز تردید داشتند، مأموریت آقای عرفانی به نتیجه‌ای نرسید و همه منتظر ماندند تا اقدام بعدی بازهم از داخل کشور انجام شود.

۶. میثاق وحدت در بامیان به امضا رسید

در زمستان سال ۶۷، در داخل کشور موانع طبیعی و برف و یخبندان و مسدود شدن راه‌ها، فعالیت بیش‌تر برای دایر کردن جلسات عمومی اتحاد را متوقف ساخته بود و در خارج کشور هم مشکلات سیاسی و مصلحت‌سنجی‌ها و احیاناً بی‌تفاوتی یا کم‌توجهی مسئولان و سران گروه‌ها، موجب رکود این طرح شده بود؛ اما با سپری شدن زمستان و آغاز بهار ۱۳۶۸ و باز شدن راه‌های هزاره‌جات، علاقه‌مندان و دلسوزان وحدت در داخل کشور تصمیم گرفتند که در تاریخ ۱۳۶۸/۳/۲۳، اولین جلسه سرتاسری مسئولین و فرماندهان را برای تحکیم و تکمیل وحدت، در مرکز بامیان دایر نمایند؛ اما این اجلاس با تأخیر، در تاریخ ۲۵ سرطان ۱۳۶۸، در مرکز شهر باستانی بامیان آغاز به کار کرد و بعد از ۱۶ جلسه سنگین، تشکیلات حزب وحدت اسلامی را مورد تصویب قرار دادند و قطع‌نامه‌ای را به نام «میثاق وحدت» به امضا رساندند و همه اعضای شورای مرکزی حاضر در اجلاس، طی مراسم عمومی، به حزب وحدت سوگند وفاداری یاد کردند.

متن کامل میثاق وحدت که از آن تاریخ به بعد، بارها و بارها، در نشریات و مطبوعات به چاپ رسیده و در واقع سند اصلی تأسیس رسمی حزب وحدت را تشکیل می‌دهد، به شرح ذیل است:

بیاد اندیشه

تأسیس ۱۳۹۴

بسم الله الرحمن الرحيم

واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا واذکروا نعمة الله علیکم...

میثاق وحدت

بدیهی است که ملت رشید افغانستان در طول تاریخ حماسه‌ها آفریده‌اند. برای دفاع از اسلام و استقلال کشور درفش خون‌رنگ جهاد را بر دوش کشیده و با خون سرخ‌شان پاسداری نموده‌اند. و با در نظر داشت این که ملت افغانستان، به‌ویژه سلحشورانی که در قلب افغانستان به سر می‌برند و با دست خالی و قلب‌های مملو از ایمان، بدون هیچ‌گونه کمک خارجی، تمام مناطق مرکزی را از لوٹ وجود مزدوران روس پاک نموده و هم‌چنان تا به اکنون آزاد نگهداشته‌اند که در راستای نبرد بی‌امان و پیگیرشان شاهد اخراج روس‌های تجاوزگر می‌باشد و توانسته‌اند فراز نوینی را برای اولین بار در تاریخ

مبارزات رهایی‌بخش جهان بکشایند و از طرفی کفر جهانی در مقابله با انقلاب اسلامی افغانستان تبانی نموده و در امتداد سیاست‌های استعماری‌شان، نبرد سیاسی، نظامی، اطلاعاتی و... را علیه مجاهدین و به انحراف کشاندن انقلاب اسلامی از نو آغاز کرده‌اند. با توجه به مسائل فوق و ملاک‌های اعتقادی (واعتصموا بحبل الله... و بنی الاسلام علی دعائمتین: کلمه التوحید و توحید الکلمه) انسجام هرچه بیش‌تر نیروهای جهادی و مبارزه آگاهانه در یک صف فشرده، از هر زمان دیگر، ضروری‌تر می‌نماید؛ لذا برای حراست از ارزش‌های انقلاب و پاسداری از آرمان‌های شهدای انقلاب اسلامی افغانستان تا پیروزی نهایی و تحقق احکام الهی، بر اساس اصول و مبانی ذیل، احزاب و جریان‌های اسلامی طی اجلاس تاریخی در مرکز باستانی و تاریخی بامیان، از تاریخ ۱۳۷۸/۴/۲۵ تا ۱۳۷۸/۴/۲۷، میثاق وحدت را تدوین و امضا نمودند. مواد آن به قرار ذیل است:

تداوم و تشدید مبارزه برای ایجاد حکومت اسلامی مبتنی بر قرآن و سنت و اصل ولایت فقیه؛

جذب نیروهای سالم و متعهد شیعی بیرون از اتحاد؛

تلاش در جهت وحدت با تمام گروه‌های اسلامی برادران اهل سنت؛

اقدام فوری در جهت رفع تشنجات موجود و جلوگیری از تشنجات احتمالی و تأمین آزادی و امنیت مردم در چهارچوب قوانین و مقررات اسلام و مصالح عامه؛

مبارزه جدی با افکار الحادی و غیر اسلامی و التقاطی؛

نفی هرگونه مذاکره و سازش و معامله پیدا و پنهان با رژیم مزدور کابل و تشدید جهاد مسلحانه تا سرنگونی آن؛

بسیج کلیه نیروهای نظامی در خطوط مقدم جبهات به منظور تسریع سقوط رژیم مزدور کابل؛

بنیاد اندیشه
تأسیس ۱۳۹۴

تلاش در جهت تأمین عدالت اجتماعی مبتنی بر حکومت اسلامی با رسمیت‌داشتن مذاهب جعفری و حنفی که تمامی اقشار، طوایف و ملیت‌ها در پرتو آن از همه حقوق سیاسی، مذهبی و مدنی و... بدون تبعیض برخوردار گردند؛

کوشش در جهت حفظ استقلال و تمامیت ارضی و همبستگی ملی افغانستان و مبارزه با فرقه‌گرایی و تجزیه‌طلبی به هر شکل آن؛

تعیین سرنوشت مردم افغانستان توسط ملت مسلمان و مجاهدین کشور و رد هرگونه مداخله خارجی؛

برقراری روابط برادرانه و دوستانه با کشورهای اسلامی و ضد استعماری جهان؛
همبستگی با نهضت‌های اسلامی و آزادی‌بخش در سطح جهان؛
اتخاذ مواضع سیاسی در برابر بلوک‌ها و اقطاب استکباری بر اساس اصل نه شرقی نه غربی و نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری؛
تشکیل شورای مرکزی اتحاد و تعیین مقر فعلی آن در شهر باستانی و آزادشده بامیان؛

الغای عناوین تشکیلاتی پس از تشکیل جریان سیاسی واحد با عنوان و آرم واحد و تدوین مرام‌نامه و اساس‌نامه؛

اقدامات لازم در جهت بازسازی و عمران کشور و استفاده مطلوب از منابع، ذخایر و ثروت‌های طبیعی و ملی در جهت بهبود وضع اقتصادی و رفاهی مردم؛
سعی در جهت ایجاد زمینه و امکانات رشد علمی و فکری آحاد ملت افغانستان؛
سپردن امور به نیروها و عناصر صالح و مؤثر و کارزان؛
کلیه مسئولین و امضاکنندگان میثاق وحدت تعهد سپردند که به پاس حرمت خون شهدای انقلاب اسلامی افغانستان با تمام وجود برای تحقق وحدت و تحصیل مواد فوق تلاش نموده و دیگر دنبال عناوین و علایق حزبی گذشته‌شان نمی‌روند.

تأسیس ۱۳۹۴

امضاکنندگان:

از سازمان نصر: استاد مزاری، استاد صادق پروانی، حکیمی، نوید، سجادی، هادی و واحدی؛

از حرکت اسلامی: هادی، فیاض، انوری، عصمت‌اللهی، رضوانی و مدرس؛

از پاسداران جهاد اسلامی: اکبری، رضوانی، فکرت، غفوری و واعظی؛

از جبهه متحد انقلاب اسلامی: رضایی و احمدی؛

از سازمان نهضت اسلامی: سعیدی، باقری، افضل و جعفری؛

از سازمان نیروی اسلامی: قائمی، حسینی و جوادی.

تذکر: از حزب‌الله نماینده‌ای وجود نداشت و از طرف دعوت اسلامی هم آقای سعیدی نهضت وکالت داشتند.

۷. اعزام هیأت به ایران

بعد از امضای میثاق وحدت و انجام مراسم تحلیف، مهم‌ترین تصمیمی که اعضای مرکزی وحدت اتخاذ نمودند، اعزام یک هیأت ۷ نفره از بامیان به ایران بود که آقایان نوید، عصمت‌اللهی، مدرسی، قائمی، دلیر، سرور شفق و مبلغ در آن عضویت داشتند. با ورود این هیأت در ایران که در واقع بعد از آمدن آقایان صابری و محقق ورسی و هم‌چنین سفر آقای عرفانی یک‌هولنگی، این سومین هیأت بود که از طرف اتحاد داخل به ایران می‌رفت، برای اولین بار موضوع تشکیل حزب وحدت در جلسه رسمی شورای ائتلاف به تاریخ دوشنبه ۱۳۷۵/۵/۲۳، در تهران مطرح شد و آقای علی‌جان زاهدی موضوع تأسیس حزب وحدت در بامیان و آمدن هیأت اعزامی آن را به مشهد اعلام نمود.

در جلسه ۱۳۷۵/۵/۳۰، در شورای ائتلاف بازهم موضوع وحدت و آمدن هیأت آن مورد بحث قرار گرفت و نظرهای مختلف ارائه شد و برخی از خود تردید نشان دادند و درباره این طرح علامت سؤال داشتند. در پایان این جلسه قرار شد که درباره وحدت به صورت کارشناسی مطالعه و بررسی شود و در جلسه بعدی نظریات اعضا مطرح شود. در جلسه بعدی شورای ائتلاف نیز این موضوع مورد بحث قرار گرفت که اعضای شورا نظریات خود را در این رابطه ابراز داشتند.

هیأت اعزامی وحدت از داخل وقتی به تهران رفت، حامل دو نامه بود. در نامه اول که برای نماینده محترم مقام رهبری ایران در امور افغانستان، جناب آقای ابراهیمی، نوشته بود، از ایشان درخواست شده بود که اعضای شورای ائتلاف را به عنوان نمایندگان حزب وحدت بشناسند و کمک‌ها و همکاری‌ها هم باید از طریق حزب وحدت صورت بگیرد. نامه دوم به سخنگو و اعضای شورای ائتلاف نوشته شده و جریان تأسیس حزب وحدت در آن شرح داده شده بود. متن نامه به قرار ذیل است:

سخنگوی شورای ائتلاف اسلامی افغانستان، اعضا و مسئولین محترم! ایدکم الله

ضمن عرض تسلیت مجدد رحلت امام خمینی پت‌شکن و هدیه صلوات به روح مقدس آن امام عزیز، بدین وسیله به اطلاع می‌رساند که بر اساس دستورات دین مقدس اسلام و ضرورت‌های جهادی مبتنی به خواست ملت خداجوی افغانستان، مسئولین و فرماندهان جهادی طی اجلاسی، از تاریخ ۶۸/۴/۲۵ الی ۶۸/۴/۳۱، میثاق وحدت را در ۲۰ ماده مبتنی بر وحدت هفت گروه عضو ائتلاف هشت‌گانه به نام تشکیلات واحد (حزب وحدت اسلامی افغانستان) امضا کردند که ضمن بشارت و تبریک این اقدام اسلامی و جهادی، توجه حضرات را به نکات زیر جلب می‌نماییم:

اعضای شورای مرکزی این وحدت، خواهان تأیید و پشتیبانی علما و دانشمندان و مسئولین دفاتر خارج از کشور می‌باشند.

تعدادی از مسئولین و شخصیت‌های جهادی خارج از کشور نیز عضو شورای مرکزی این وحدت می‌باشند که حضور حضرات در اجلاس اول سنبله سال جاری حتمی و ضروری است.

امیدواریم در رابطه با تبلیغ و ترویج این وحدت کوتاهی نکرده، بلکه انتظار می‌رود موانع را در این مسیر همگام با برادران داخل بردارید.

آقایان: نوید، عصمت‌اللهی، مدرسی، قائمی، دلیر، سرور شفق و مبلغ با همکاران حضرات حجج اسلام عرفانی، شفق، زاهدی، روح‌الله، حسین کربلایی و اخلاقی به‌عنوان هیأت از طرف حزب وحدت اسلامی افغانستان برای تحکیم وحدت و توحید دفاتر که به‌مثابه نمایندگی‌های وحدت در خارج می‌باشند، خدمت می‌رسند که در راستای مفاد میثاق وحدت، تحقق‌بخش آرمان شهدای انقلاب اسلامی افغانستان و مردم رنج‌دیده ما باشید.

قابل ذکر این‌که در بیان مواضع کلی و استراتژیک حزب وحدت اسلامی افغانستان در حال حاضر فقط به ۲۰ ماده میثاق وحدت بسنده می‌شود و مزید بر آن شورای مرکزی حزب وحدت در داخل کشور می‌تواند اعلام مواضع کرده و تصمیم‌نهایی را اتخاذ نماید.

بنیاد اندیشه

تأسیس ۱۳۹۴

۵. در رابطه با پیوستن حزب‌الله افغانستان نیز تصمیماتی اتخاذ شده که در این باره هیأت موظف طبق مصوبات شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی اقدام می‌نماید.

محل امضای آقایان: عبدالعلی مزاری، صادقی پروانی، سید هادی، حکیمی، مدرسی، فیاض ارزگانی، سید حسین انوری، فکرت، باقری، افضللی، رضوانی بامیانی، سجادی، حسینی، سعیدی، قائمی، اکبری، رضایی و...

تاریخ ۱۳۶۸/۵/۱

هم‌چنین، هیأت اعزامی حزب وحدت به تاریخ‌های ۱۸، ۲۱، ۲۲ و ۱۳۶۷/۶/۲۸، جلسات متوالی با اعضای شورای ائتلاف و مسئولین احزاب برگزار کرد که برخی از گروه‌ها، مانند حرکت اسلامی، شرط

تشکیل شورای عالی امامیه و شورای قضایی را مطرح کرد و هیأت چون صلاحیت قبول این شرطها را نداشت، جلسات به نتیجه‌ای نرسید.

به تاریخ ۱۳۳۷/۱، هیأت اعزامی با شورای ائتلاف جلسه داشت که بازهم نتیجه مطلوب به دست نیامد. در جلسه ۱۳۳۷/۳، هیأت خواهان جواب قطعی و نهایی شورای ائتلاف شد که شورای ائتلاف بازهم خواستار مشورت و جلسه دیگر شد و در همین ایام در تهران سمینار بررسی مسائل افغانستان از طرف وزارت خارجه ایران تشکیل شد و از این رو، جلسات هیأت با شورای ائتلاف به تأخیر افتاد و به تاریخ ۱۳۳۷/۱۱، سران احزاب هفت گانه و هشت گانه و هیأت حزب وحدت به حضور آیت الله خامنه‌ای رسیدند و ایشان در سخنرانی خود بر وحدت مسلمین و وحدت مجاهدین افغانستان تأکید ورزیدند.

سرانجام، به تاریخ ۱۳۳۷/۱۹، آقای خلیلی به آقای نوید اطلاع داد که شورای ائتلاف در جلسه روز ۱۳۳۷/۱۸ خود توافق و تصویب نمود که هیأتی از خارج به زودی طرف داخل اعزام شود تا در باره وحدت و مسائل دیگر که راجع به انقلاب اسلامی افغانستان جریان دارد، توافق نظر و هماهنگی کامل به وجود آید و این در واقع، بهترین نتیجه‌ای بود که از مذاکرات هیأت به دست آمده بود؛ زیرا رفتن هیأت از شورای ائتلاف به بامیان هم به معنای اعتراف به تأسیس حزب وحدت بود و هم به معنای پذیرفتن و امضا کردن آن.

۸. سفر نماینده مقام رهبری ایران به بامیان

به دنبال مذاکرات انجام شده در تهران، آقای ابراهیمی نماینده مقام رهبری ایران در امور افغانستان، تصمیم گرفت که شخصاً در رأس هیأتی از طرف جمهوری اسلامی ایران از بامیان دیدن کند و تحولات سیاسی و جریان تشکیل حزب وحدت را از نزدیک مطالعه نماید. مسافرت ایشان به بامیان در اواخر عقرب ۱۳۳۸ در زمانی انجام شد که بامیان به خاطر تأسیس حزب وحدت، جوش و خروش خاصی پیدا کرده بود و در کنار شخصیت‌هایی هم چون: ضادقی پروانی، محمد اکبری، عباس حکیمی، عرفانی یک‌هولنگی، بلاغی غزنوی، شفق سرپلی و معلم باب، حضور سنگین و با وقار و متانت شهید مزاری، رنگ دیگری به بامیان و به حزب وحدت بخشیده بود.

شورای مرکزی حزب با حضور افراد نامبرده فوق و جمعی دیگر در بامیان تصویب کرده بودند که قبل از پرداختن به امور دیگر باید پایه‌های داخلی حزب تحکیم گردد؛ یعنی اساس نامه و آیین نامه‌ها تدوین و تصویب شوند، کمیته‌های اجرایی حزب فعال گردند، هیأت‌های با صلاحیت در داخل کشور اعزام شوند، از مسئولین حزب دعوت به عمل آید که همگی در بامیان حضور پیدا کنند و هم چنین

یک هیأت مقتدر به خارج کشور اعزام شود.

در خلال اقامت هیأت محترم ایرانی که بسیار کوتاه بود، مذاکراتی بسیار مفید و سودمند بین اعضای شورای مرکزی حزب وحدت و هیأت ایرانی صورت گرفت و استاد مزاری به حیث سخنگوی حزب وحدت در جلسه انتخاب شده بود. محورهای بحث را مسئله انقلاب اسلامی افغانستان، مناسبات جهانی آن، مسئله مهاجرین در ایران، تشکیل حزب وحدت اسلامی و نقش آن در آینده افغانستان و روابط بین‌المللی و این‌که شورای ائتلاف باید جای خود را به اتحاد بدهد، تشکیل می‌داد.

مذاکرات فیمابین که تقریباً سه روز به درازا کشید، بسیار جدی، صریح و در عین حال دوستانه بود. هیأت جمهوری اسلامی ایران از حزب وحدت اسلامی افغانستان رسماً دعوت نمود که از ایران دیدن نماید.

۹. سفر هیأت شورای ائتلاف اسلامی به بامیان

به دنبال سفر آقای ابراهیمی، هیأت دیگری مرکب از نمایندگان گروه‌های عضو شورای ائتلاف عازم بامیان شدند. اعضای این هیأت عبارت بودند از آقایان: خلیلی، نقوی، جاوید، سید صفدر موسوی، هاشمی، محقق افشار، احسانی، راشدی و زمانی؛ ولی آقایان خلیلی و نقوی به داخل نرفتند و بقیه به‌عنوان هیأت ائتلاف وارد بامیان شده و در حدود ۲۰ روز در آن‌جا ماندند. در طول این مدت بیش از هفت جلسه طولانی بین هیأت ائتلاف و شورای مرکزی حزب برگزار شد و هریک از نمایندگان گروه‌ها دیدگاه‌ها، انتقادات و پیشنهادات خود را مطرح کردند. به‌عنوان مثال: آقای سید محمدعلی جاوید نیز موضوع شرایط آقای محسنی، یعنی تشکیل شورای عالی امامیه و شورای قضایی، را مطرح کرد که از طرف حزب وحدت گفته شد کمیته قضایی در حزب در نظر گرفته شده و برای این‌که شورای عالی امامیه هم در نظر گرفته شود، «شورای عالی نظارت» که در واقع همان وظایف شورای عالی امامیه را انجام می‌دهد، پیشنهاد گردید و مورد توافق قرار گرفت.

قابل یادآوری است که شورای عالی نظارت در حزب وحدت صرفاً به دلیل شرط آیت‌الله محسنی وارد تشکیلات حزب وحدت شد؛ وگرنه در اصل چنین چیزی وجود نداشت.

سرانجام، هیأت ائتلاف، موافقت خود را با وحدت اعلام کرده و میثاق وحدت را امضا نمودند و به تهران بازگشتند. گرچه بعدها کسی ادعا کرده بود که در بامیان زیر فشار قرار داشتند و مجبوراً میثاق وحدت را امضا کرده است؛ اما واقعیت این بود که دلایل و منطق طرفداران و مؤسسان وحدت قوی بود و هرکسی را در ابتدا قانع می‌ساخت؛ ولی اختلافات گروهی و بدبینی‌ها در حدی بود که گاهی

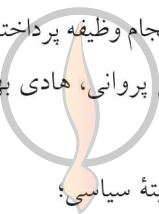
افراد را وادار می‌کرد که امضای خود را نقض کنند.

در جریان سفر هیأت شورای ائتلاف به بامیان و مذاکره آنان با شورای مرکزی وحدت، توافق به عمل آمد که یک هیأتی با صلاحیت از حزب وحدت به تهران بیاید و با حل شدن پاره‌ای از اختلاف نظرهای باقیمانده، شورای ائتلاف جای خود را به حزب وحدت اسلامی بسپارد.

این مذاکرات و تبادل نظرها در شرایطی واقع می‌شد که حزب وحدت اسلامی در بامیان واقعاً داشت جان می‌گرفت و پایه‌های داخلی خود را مستحکم می‌ساخت که به‌عنوان مثال به چند اقدام و ابتکار آن اشاره می‌شود:

۱. حزب وحدت مشکل خود را با آیت‌الله بهشتی در شورای اتفاق حل کرده و پس از امضای توافق‌نامه ۲۰ ماده‌ای با ایشان، آیت‌الله بهشتی از ناهور به ورس بازگشته و خود ایشان به‌عنوان عضو شورای عالی نظارت حزب انتخاب شده بود.
۲. مشکلاتی که در ارزگان (دایکندی فعلی) وجود داشت نیز حل شده بود و با رفتن آقایان عرفانی و اکبری از طرف حزب به ارزگان و مذاکره با مسئولین سازمان نصر در آن منطقه و آقای صادقی نیلی توافق شده بود که کلیه آقایان به شمول صادقی نیلی، به بامیان بیایند و وحدت را بپذیرند که مدتی بعد صادقی نیلی در بامیان حضور یافت و مسئول کمیته نظامی حزب انتخاب گردید.
۳. اساس‌نامه و آیین‌نامه‌های اجرایی حزب تدوین و تصویب شد.
۴. مسئولین حزب به ترتیب زیر به انجام وظیفه پرداختند:
 - آقایان محمد اکبری، صادقی پروانی، هادی بهسودی و حسینی به‌عنوان هیأت‌رئیس حزب؛
 - عبدالعلی مزاری مسئول کمیته سیاسی؛
 - صادقی نیلی مسئول کمیته نظامی؛
 - محمد فیاض مسئول کمیته فرهنگی؛
 - سید ناطقی مسئول کمیته خدمات اجتماعی؛
 - قربانعلی عرفانی مسئول کمیته روابط؛
 - قائمی مسئول کمیته مالی؛
 - دکتر فولادی مسئول کمیته صحی.

اقدامات فوق باعث شد که تشکیلات حزب وحدت اسلامی حداقل در بامیان شروع به کار کند و



اندیشه
تأسیس ۱۳۹۴

در سایر مناطق هم آرم‌های گروه‌ها از دفاتر و پایگاه‌ها پایین کشیده شوند و آرم حزب وحدت نصب شود؛ هرچند که برای ادغام کامل هنوز زمان زیادی لازم بود.

۱۰. هیأت بلندپایه حزب وحدت اسلامی به سرپرستی شهید مزاری در ایران

همان‌طور که اشاره شد، هم در جریان سفر هیأت جمهوری اسلامی ایران و هم در سفر هیأت شورای ائتلاف به بامیان، از حزب وحدت اسلامی دعوت شده بود که هیأت بلندپایه و با صلاحیتی به ایران بفرستد تا هم با مقامات جمهوری اسلامی ایران و هم با اعضای شورای ائتلاف مذاکره کند و زمینه فعالیت رسمی حزب وحدت اسلامی را در ایران فراهم نماید و بر این اساس، در اواخر زمستان ۱۳۶۸، خبر رسید که یک هیأت مهم از بامیان حرکت کرده تا از مسیر پاکستان به ایران بیاید. سرپرستی این هیأت بر عهده شخصیت مقتدر و مؤثر حزب، استاد مزاری بود و بقیه اعضا عبارت بودند از: صادقی نیلی، سید هادی بهسودی، هادی بلخی، حاج شفق سرپلی، سید بحر لوگری، احمدی جرجی، سید شریفی، مبارز یکه‌ولنگی، شفیق بهسودی، شریفی ورسی، باقری جاغوری و سعیدی جاغوری.

قبل از بیان گزارش ورود هیأت به ایران لازم است این نکته را یاد آور شویم که در زمستان ۱۳۶۸ افکار عمومی مهاجرین و طلاب و علمای افغانی مقیم ایران کاملاً به نفع وحدت تغییر یافته بود و اعلامیه‌های متعدد در جهت حمایت از وحدت از سوی اقشار مختلف منتشر می‌شد و همگی با خوشحالی و شادمانی، آمدن هیأت حزب وحدت را انتظار می‌کشیدند. در این جا به‌عنوان نمونه و برای این که حال و هوای افکار عمومی و شعارها و حرف‌های دل مردم و اعضای احزاب و دفاتر نشان داده شود، متن چند اعلامیه را نقل می‌کنیم.

تأسیس ۱۳۹۴

اعلامیه اول از جمعی از اعضای سازمان نصر است که ۱۷ نفر از افراد مؤثر و فعالین سازمان از مناطق مختلف افغانستان آن را امضا کرده و استعفای خود را از سازمان و پیوستن به وحدت را اعلام کرده بودند. پیشنهاد این اعلامیه از حقیر (سرور دانش) بود و متن آن را هم من نوشته بودم و اکنون عین متن آن که نشان‌دهنده فضای سیاسی آن زمان است، از نظر شما می‌گذرد:

اعلامیه علما، طلاب و دانشجویان سازمان نصر افغانستان مقیم قم در رابطه با حزب

وحدت اسلامی افغانستان

ربنا وفقنا لما تحب و ترضی

پس از یازده سال تداوم نبرد مقدس و پیکار خونین توده‌های مسلمان و فرزندان
رشید اسلام در افغانستان، این کانون همیشه مقاوم و قلب تپنده آسیا و دژ تسخیرناپذیر

اسلام بر ضد مهاجمان بدسگال و بدطینت امپریالیزم روس و عمال وابسته به آن و پس از فرار ذلیلانه ارتش کفرکیش سرخ از افغانستان در سال گذشته و درهم شکستن بت مارکسیزم و کمونیسم و فروریختن آخرین دیوارهای به اصطلاح آهنین بلوک مفلوک شرق، قیام و نهضت مردم ما وارد مرحله حساس و نوینی گردید که انتظار می‌رفت پس از آن همه رنج و محنت و غربت و مظلومیت، اندکی از جراحات ما التیام یافته و آوای روح بخش استقلال و آزادی و امنیت و عدالت و اخوت اسلامی بر بام بلند خانه ما طنین افکند و مردم، این شلاق خوردگان ستم‌دیده همیشه تاریخ، به آسایش و آرامشی نایل آیند و انقلاب در خط سرخ و خونین شهدا راه خود را به سوی پیروزی نهایی بر دشمن نزدیک کند؛ اما همگان دیدیم که چنین نشد و رسیدن به پیروزی و نیل به مقصد که آسان پنداشته می‌شد، آسان نبوده است و بل مشکلات جدیدی در روند انقلاب رخ نمود که هرگز انتظار نمی‌رفت.

بنابراین چه باید کرد؟ آیا واقعاً آن‌گونه که برخی می‌پندارند، جنگ و مبارزه در افغانستان خاتمه یافته و یا از مسیر اصلی خود منحرف شده است و آیا واقعاً مردم ما توانایی این را ندارند که سرنوشت خود را به دست خود تعیین نمایند؟ آیا واقعاً یازده سال جنگ و جهاد هیچ‌گونه ثمره‌ای در جهت رشد و شکوفایی و بیداری و هوشیاری مردم ما نداشته است؟ آیا واقعاً ساختن یک افغانستان مستقل و آزاد اسلامی از توان ما خارج است؟ ما معتقدیم که طبق مبانی و اصول اعتقادی و ارزش‌های برینی که بدان‌ها ایمان و باور داریم، مبارزه در زندگی انسان متعهد و مسئول، یک اصل مقدس و جاویدان و پایان‌ناپذیر است. آن روزی که مشعل فروزان مبارزه در زندگی فردی و اجتماعی انسان خاموش شود، شعله حیات و روح ملتهب انسانیت او نیز خاموش خواهد شد. هدف مبارزه در اسلام، تعالی روحی انسان، حرکت به سوی کمال مطلق ابدی، خداوند، و تحقق انسان عابد خدا و جامعه خلیفه خدا می‌باشد و هدفی بدین بلندی و والایی هرگز در شعاع محدودی پایان نمی‌پذیرد.

از طرف دیگر، جنگ و صلح دو نقطه عطف بسیار مهم و حساس در صحنه جوامع بشری می‌باشد و باید هر کدام درست و به موقع و دقیق و سنجیده شده، هدایت و رهبری و کنترل شود و اکنون که در کشور ما جنگ و جهاد با شدت - هم چون گذشته - ادامه دارد بالفرض اگر هم در روند و تاکتیک‌های آن تغییری پدید آید، هرگز به معنای خاتمه مبارزه نیست؛ زیرا مبارزه مساوی با جنگ نیست. هویت و محتوای آن بسی گسترده‌تر از

مفهوم جنگ نظامی می‌باشد؛ چون جنگ نظامی تنها یکی از اشکال و قالب‌های آن است. جنبش مردم ما هرگز یک حرکت صرفاً اصلاحی و ریفورمیستی یا سیاسی و تک‌بعدی نبوده که با پیدایش اندک تحول و تغییری، خاتمه یافته تلقی شود. نهضت ما یک حرکت الهی بر اساس مبانی توحیدی اسلام برای رسیدن به آرمان‌های بلند انسانی و ارزش‌های برین‌خدایی بوده است و تا رسیدن بدان آرمان‌ها، حرکت توفنده مردم ما ادامه خواهد داشت.

ما معتقدیم که مردم ما در طول این دهه خونین مقاومت به قله‌های بلندی از عزت و کرامت و رشادت و آگاهی سیاسی و انقلابی دست یافته و به‌خوبی می‌تواند با ادامه نهضت، سرنوشت خود را به کف گرفته و آزادی و استقلال و حاکمیت اسلامی را در کشور خود تأمین نماید؛ اما رسیدن به این هدف چندان آسان نیست و وظیفه و رسالت همه ما است که هم‌پای تحولات و دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی، ضرورت‌ها و نیازهای مبرم جامعه خود را درک کرده و هر روز با تجربیات نوین و پخته‌تر و طرح‌های عمیق و دقیق‌تر، وارد صحنه پیکار شویم که بدون شک تلاش در جهت ایجاد و تکمیل و تحکیم یک تشکیلات قدرتمند اسلامی و مبارزه بر ضد تفکر ضد تشکیلاتی و تربیت کادرهای مسلمان انقلابی و پی‌ریزی کار وسیع فرهنگی، فکری و پرورش و پالایش استعدادهای علمی و تربیت عناصر متعهد متخصص و دانشمند و... از جمله این ضرورت‌هاست.

اما بی‌تردید باید گفت: در رأس همه ضرورت‌ها و نیازها، مسئله حیاتی «اتحاد نیروها» قرار دارد. ما نمی‌خواهیم در این‌جا از ضرورت وحدت سخن گوئیم و یا از این‌که چرا در گذشته اتحاد نشده است و یا از این تعدد و اختلاف در طول ده سال چه عاید ملت ما شده است؟ این سخن‌ها کهنه و تکرار مکررات است. ما می‌گوییم که امروز دستاوردهای انقلاب ما و موجودیت مادی و معنوی ما در خطر نابودی قرار گرفته است و این دو از هر منفعت و مصلحت فردی و گروهی و حزبی بالاتر است؛ بنابراین، وقت آن رسیده است که با عمل از اتحاد سخن بگوییم و در عمل باید ثابت کنیم که آیا تابع مصالح شخصی و گروهی هستیم یا تابع مصالح اسلام و انقلاب و مردم؟ امروز زمان آن است که اندکی واقع‌بینانه فکر کنیم؛ چون چه بخواهیم و یا نخواهیم، روزی این بت‌ها و شیشه‌های خیال و پندار بر صخره نشکن واقعیت‌ها شکسته خواهد شد و آنگاه تندباد حوادث ما را در پرنگاه سقوط همیشگی نابود خواهد ساخت. پس چه بهتر که

تا دیر نشده بجنیم و این دیوارهای خیالی فاصله و جدایی را درهم شکنیم و با اعتصام به جبل المتین خداوند- که هرگز گسستنی نیست- گسیختگی و نابسامانی‌های جامعه خود را انسجام و سامان بخشیم.

ما علما و طلاب و دانشجویان سازمان نصر افغانستان مقیم قم بر اساس باورهای فوق و در نظر گرفتن مصالح عالیة اسلام و انقلاب و مردم، موضع خود را در این رابطه به شرح ذیل اعلام می‌داریم:

۱. ما که در طول ده سال انقلاب در بستر تشکیلات اسلامی و قدرتمند سازمان نصر افغانستان و رهبری متعهد و دلسوز و انقلابی آن در خدمت مردم فعالیت کرده‌ایم و تا همین‌اکنون نیز این سازمان را یک تشکیلات واقعاً مکتبی و پرتوان می‌دانیم، با تشخیصی که خود از ضرورت‌ها و مصالح انقلاب داریم، به تبعیت از مسئولان و قوماندانان دلسوز گروه‌های جهادی داخل کشور و به پیروی از مسئولین سازمان نصر در داخل کشور که از پیشگامان اتحاد و جریان حزب وحدت اسلامی افغانستان بوده و هستند، از همین‌اکنون استعفای خود را از سازمان مذکور و پیوستن خود را به «حزب وحدت اسلامی افغانستان» اعلام می‌داریم.

۲. ما از همه علما و طلاب وابسته به گروه‌های دیگر و علما و شخصیت‌های بی‌طرف و کارگران و مهاجرین مسلمان هم‌وطن و همه کسانی که طعم تلخ تعدد و تفرقه و اختلاف را چشیده‌اند، می‌خواهیم که پیوستن خود را به حزب وحدت اعلام داشته و با همه توان خویش در جهت استحکام این تشکیلات گسترده و فراگیر اسلامی تلاش نمایند و به اراده توده‌های مسلمان و مجاهدان دلسوخته داخل کشور احترام بگذارند.

۳. ما از شورای ائتلاف اسلامی افغانستان مصرا نه تقاضا داریم که بیش از این تأخیر و تعلل در انجام و استحکام این امر خیر را جایز نشمرد و شورای ائتلاف را در خارج کشور به‌طور رسمی تبدیل به حزب وحدت اسلامی نمایند و راضی نشوند بیش از این توده‌های مردم را حیران و سرگردان نگه دارند.

۴. ما از همه مسئولان و هواداران حزب وحدت اسلامی، در داخل و خارج کشور، می‌خواهیم که با تلاش چندبرابر، این هدف مقدس را دنبال نمایند و از هیچ چیز و هیچ کس واهمه و هراس نداشته باشند و بدانند که خدا و خلق خدا پشتیبان و یار و مددکار آنها است و یقین داشته باشند که در پیشگاه خدا و شهدای انقلاب کسانی رو سپید خواهند بود که گامی فرا پیش در جهت خدمت به مستضعفان و ستم‌دیده‌گان برداشته باشند.

والسلام

برافراشته باد پرچم افتخار وحدت اسلامی در افغانستان

نابود باد کفر و استکبار و نفاق در جهان

علما و طلاب و دانشجویان سازمان نصر افغانستان مقیم قم

۱۳۶۸/۱۰/۱۸

اعلامیه دوم از طرف علما و طلاب ارزگان بود که به قلم حقیر نوشته شده بود. متن آن به قرار ذیل است:

بسم الله الرحمن الرحيم

اعلامیه علما و طلاب ولایت ارزگان (دایکندی کنونی) در حمایت از «حزب

وحدت اسلامی افغانستان»

رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا
رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ (قرآن کریم)

در طول دوازده سال گذشته که فراز و نشیب‌ها و مراحل دشوار و صعب‌العبری را پشت سر گذاشتیم، اتحاد و انسجام گروه‌ها و نیروهای مبارز مسلمان، همواره یکی از آرمان‌ها و خواسته‌های بر حق مردم و مجاهدین ما بوده و از همان سال ۱۳۵۸ حرکت‌های وحدت‌طلبانه با تشکیل «جبهه آزادی‌بخش انقلاب اسلامی افغانستان» آغاز گردید و در طول ده سال بعدی هم در هر مقطعی این حرکت مقدس دنبال شد و در اول سال ۱۳۶۶ به تشکیل «شورای ائتلاف اسلامی افغانستان» منجر گشت؛ اما تجربیات بیش از یک دهه مبارزه بی‌امان سیاسی و نظامی و فرهنگی، مردم و مجاهدین و رهبران جهادی ما را بیش از پیش هوشیار ساخت و به اثبات رسانید که این حرکت‌های جبهه‌ای و ائتلافی، به تمام معنا کارساز نبوده و مشکلات عمده جامعه ما را حل نمی‌تواند و تنها راه‌حل واقعی و منطقی مشکلات و نابسامانی‌ها و پرابلم‌های عمده جامعه ما، وحدت حقیقی و تشکیلاتی همه گروه‌ها و نیروهای انقلابی شیعی می‌باشد.

بر این اساس، حرکت انقلابی وحدت‌طلبانه در سال ۶۷ از داخل کشور و از متن جبهات جهاد آغاز شد و پس از طی مراحل، در ۲۵ سرطان ۱۳۶۸ در مرکز ولایت باستانی و آزادشده بامیان، با یک تلاش پیگیر و فعالیت فشرده رهبران، مسئولان،

فرماندهان و نمایندگان گروه‌های اسلامی شیعی، این حرکت اسلامی و الهی و انقلابی به ثمر رسید و «حزب وحدت اسلامی افغانستان» تأسیس و اعلام گردید و پس از آن بیش از پنجاه هیأت در سراسر کشور و به خارج کشور اعزام گردیدند تا مفاد «ميثاق وحدت» را تطبیق دهند و پایه‌های وحدت را مستحکم‌تر بسازند و هم‌اکنون هم بحمدالله آخرین گزارش‌ها حاکی از آن است که در اکثر ولایت‌ها و ولسوالی‌ها، پایگاه‌ها، قرارگاه‌ها و حوزات قبلی گروه‌ها به‌طور کامل ادغام شده‌اند و یا آخرین مراحل ادغام را طی می‌کنند.

تشکیل حزب وحدت اسلامی در این شرایط و موقعیت حساس کنونی که همه قطب‌های استکباری و عوامل آن‌ها دست به دست هم داده‌اند تا مانع پیروزی نهایی و برقراری حکومت اسلامی در افغانستان شوند و نهضت بزرگ اسلامی و رهایی‌بخش ما را به کژراهه بکشانند و بار دیگر تجربه دوره جنگ‌های افغانستان-انگلیس را بر سر ملت ما تکرار کنند و مهره‌های مزدور و وابسته به خود را بر سرنوشت ما مسلط گردانند، نشانه‌ای از بلوغ سیاسی و رشد و خودآگاهی اسلامی و ملی مردم و مجاهدین ما می‌باشد و به خوبی و روشنی اثبات می‌کند که راهبران، فرماندهان، مسئولان و مجاهدان ما در آن حد از تجربه و آگاهی و هوشیاری هستند که مواقع خطر و لحظات بحرانی را درک کرده، هم درد را تشخیص بدهند و هم راه درمان را پیدا کنند و در موقعیت سرنوشت‌ساز، تصمیم سرنوشت‌ساز بگیرند و در هنگامی که جامعه و انقلاب ما به سوی سقوط یا انحراف کشانده می‌شود، با یک اقدام سریع انقلابی و با ایجاد یک تحول و دگرگونی بنیادی، از این سقوط و انحراف جلوگیری نمایند و به تعبیر حجه الاسلام و المسلمین آقای هادی بهسودی، عضو هیأت محترم حزب وحدت اسلامی، کاری را که باید در سه سال انجام می‌شد، در شش ماه انجام دهند و راه ۱۱ ساله را در پنج ماه بازگردند.

بنیاد اندیشه

تأسیس ۱۳۹۴

البته، نیازی نیست که از ضرورت وحدت و یا اهمیت این کار عظیم و تاریخی که تا این مرحله انجام یافته است، سخن بگوییم؛ ولی یک نکته را قابل ذکر می‌دانیم و آن این‌که تشکیل حزب وحدت اسلامی، نقطه عطفی مهم و تعیین‌کننده در تاریخ انقلاب ماست و بهمین جهت، همه آمریکا و روسیه و رژیم مزدور کابل و وهابی‌های متعصب و تنگ‌نظر و مائوئیست‌ها و شعله‌ای‌ها و عناصر منحرف دیگر در صددند که از هر طریق ممکن این اقدام انقلابی را که به‌مثابه یک انقلاب دیگر در تاریخ انقلاب ما شمرده

می‌شود، منجر به شکست سازند. بنابراین، هر نوع سستی و اهمال و یا خدای‌نکرده کارشکنی و مانع‌تراشی که از طرف ما صورت گیرد، موجب شرم‌ساری ما در پیشگاه خدا و ملت مسلمان گشته و باعث خواهد شد که حداقل تا یک دهه دیگر هیچ طرح وحدت‌طلبانه زمینه‌ای پیدا نکند و هیچ اقدامی برای انسجام و هماهنگی نیروهای مسلمان به نتیجه و ثمر نرسد.

ما امضاکنندگان زیر (علما و طلاب ولایت ارزگان مقیم قم) مواضع صریح خود را در این رابطه به شرح زیر اعلام می‌داریم:

ما همان‌طوری که در اعلامیه مؤرخه ۱۳۶۸/۱۲/۱۸ نیز اعلام کردیم، یکبار دیگر ضمن عرض خیرمقدم به هیأت معظم و بلندپایه حزب وحدت اسلامی افغانستان، حمایت مجدد و پشتیبانی قاطع و همه‌جانبه خود را از حزب وحدت اسلامی و پیوستن کامل و آمادگی همکاری خود را در تمام ابعاد با این تشکیلات مقدس اسلامی اعلام می‌داریم.

اکنون که با استقبال گرم و پرشور ملت مسلمان در داخل کشور و حمایت قاطع علما، طلاب، دانشجویان، دانش‌آموزان، کارگران و کسبه و همه اقشار مهاجرین عزیز، و تأیید کامل مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مشروعیت و نفوذ و اعتبار و موقعیت سیاسی، اجتماعی و مردمی حزب وحدت اسلامی ثابت و مستحکم شده است، از مسئولین محترم گروه‌ها و مقامات مربوطه جمهوری اسلامی ایران تقاضا داریم که انحلال گروه‌ها و ادغام دفاتر موجود در ایران را رسماً اعلام کرده و تشکیلات حزب وحدت اسلامی را جایگزین سازند و در این شرایط حساس انقلاب اسلامی و با توجه به این‌که شورای ائتلاف اسلامی هم در عمل متحل شده است، بیش از این اجازه ندهند که مردم ما، مخصوصاً در خارج کشور، با خلأ رهبری سیاسی دچار باشند.

ما از هیأت محترم حزب وحدت می‌خواهیم که بدون کم‌ترین تردید و تزلزل، تلاش و فعالیت خود را ادامه دهند و در ارتباط با عناصر مخالف و ناراضی، طرح‌ها و پیشنهادات معقول و منطقی آن‌ها را - اگر داشته باشند - بپذیرند و در صورت عدم امکان، فعالیت رسمی و عملی خود را آغاز کرده و مخالفت و عدم رضایت عده محدودی را مانع کار تلقی نکنند و بدانند که توده‌های میلیونی شیعیان مظلوم افغانستان همگی اعضای این حزب و سربازان انقلاب اسلامی هستند.

ما از همهٔ اقشار مردم مسلمان افغانستان که گم‌شدهٔ دیرینهٔ خود را در وجود حزب وحدت اسلامی بازیافته‌اند، می‌خواهیم که بیش از پیش در حمایت قاطع خود از حزب وحدت ادامه دهند و با همکاری و همیاری همگانی، این شجرهٔ مبارکه را به ثمر بنشانند.

ما ضمن این که تبلیغات تفرقه‌افکنانهٔ ضد وحدت را محکوم می‌کنیم، اعلام می‌داریم که جزوه‌گ‌هایی از قبیل وحدت ۱ و ۲ و یا اعلامیهٔ «حزب وحدت یا به اصطلاح زور و تهدید بر علیه افکار و اندیشه‌ها» که به نام مجمع طلاب ارزگان منتشر شده است، هیچ ربطی به علما و طلاب ارزگان نداشته و ساحت مقدس روحانیت ما از این یاهو‌سرایی‌ها بدور است و اگر چند نفر محدودی دست به چنین اعمال ناشایست ضد انقلابی زده باشند، به هیچ‌وجه حق ادعای نمایندگی از اکثریت قریب به اتفاق علما و طلاب و مردم وحدت‌خواه ما را ندارند.

علما و طلاب ارزگان مقیم حوزهٔ علمیهٔ قم

۱۳۶۹/۲/۱۷

هیأت بلندپایهٔ حزب وحدت اسلامی صبح ۱۳۶۸/۱۲/۲۰، وارد فرودگاه مهرآباد تهران شد و مورد استقبال اعضای شورای ائتلاف و جمعی از شخصیت‌های جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت و استاد عبدالعلی مزاری، سرپرست هیأت، در مصاحبهٔ خود با بولتن خبری حزب وحدت اسلامی، اهداف هیأت را در مورد این سفر چنین شرح داد:

۱. ادغام کلیهٔ دفاتر احزاب منحل و تعیین نمایندگان واحد برای رسیدگی به امور مهاجرین حزب وحدت اسلامی در خارج.
۲. اعلام مواضع حزب وحدت اسلامی افغانستان.
۳. به وجود آوردن نشریهٔ حزب وحدت اسلامی افغانستان.
۴. در جریان قراردادن مهاجرین، اعم از طلاب، علما، دانشجو و کارگر و کسبه، نسبت به حوادث و رویدادهای داخل کشور.
۵. دعوت از اعضای کادر مرکزی حزب وحدت که تا به حال در خارج به سر می‌بردند و باید داخل بروند.
۶. دعوت از اعضای شورای عالی نظارت مقیم خارج که جهت رسیدگی به امر جهاد و کشور به داخل بروند.



۷. دیدار با آیت‌الله خامنه‌ای جهت تشریح برنامه‌های حزب وحدت اسلامی افغانستان و حوادث و رویدادهای جاری.
۸. جذب کمک‌های مهاجرین و طرفداران انقلاب اسلامی افغانستان و ارسال آن به جبهات داخل کشور.

۱۱. مراسم استقبال از هیأت

از آن‌جا که مهاجرین و هم‌وطنان ما در تهران و قم اشتیاق زیادی به استقبال و دیدن هیأت داشتند، قرار بود هیأت از محل استقرار خود در هتل استقلال، ساعت ۱۰ قبل از ظهر ۱۳۶۷/۱۲/۲۰ به بهشت زهرا بیاید تا با مردم دیدار کند. ما که در قالب «ستاد استقبال از هیأت» از قم آمده بودیم، چند ساعت منتظر ماندیم تا بالاخره اعضای هیأت از راه رسیدند؛ در حالی که جمعیت کثیری از علما، طلاب و مهاجرین در مقابل درب ورودی در طول صدها متر صف کشیده بودند. به راستی وقتی استاد مزاری و استاد صادقی نیلی از موتر حامل‌شان پیاده شدند و از دور چهره و قیافه آنان با لباس وطنی و قامت‌های استوار برای مردم نمایان شد، شور و هلهله عجیبی ایجاد شد و در چشم خیلی از افراد اشک شوق حلقه زده بود؛ زیرا برای اولین بار می‌دیدند که در این جامعه کسانی وجود دارند که حرف دل آنان را می‌زنند و مرد تصمیم و عمل هستند.

بالاخره، مراسم استقبال در داخل حرم امام خمینی برگزار شد و پس از تلاوت آیات قرآن مجید، نگارنده سطور که از طرف ستاد استقبال انتخاب شده بودم تا به نمایندگی از دفاتر احزاب و طلاب و مهاجرین به هیأت حزب خیرمقدم بگویم، در چند دقیقه به‌طور مختصر، اما صریح و روشن، حمایت کامل و همه‌جانبه طلاب و مردم و دفاتر احزاب را از حزب وحدت اعلام کردم و از همه گروه‌ها و شورای ائتلاف هم خواستم که به حزب وحدت ملحق شوند. بعد از صحبت‌های من، آقای محمداسحاق اخلاقی که سخنگوی وقت شورای ائتلاف بود، سخنرانی کرد و از هیأت استقبال و تجلیل نمود و سپس آقای صادقی نیلی درباره مشکلات داخل کشور و ضرورت وحدت گروه‌ها سخنرانی نمود و در پایان، استاد مزاری به‌عنوان سرپرست هیأت، با لحن بسیار صریح و نسبتاً تند درباره تاریخچه تشکیل حزب وحدت و مبادله هیأت‌های متعدد بین داخل و خارج و دستاوردهای مهم حزب در برقراری امنیت و ختم جنگ‌های داخلی صحبت کرد و افزود: عمر ائتلاف به سر رسیده و باید تبدیل به اتحاد شود و اعضای ائتلاف هم از نظر شخص حقیقی میثاق وحدت را امضا کرده‌اند و از نظر حقوقی هم گروه‌های آن‌ها در داخل به وحدت پیوسته‌اند و دیگر هیچ دلیلی برای ادامه کار ائتلاف وجود ندارد.

مراسم استقبال با شور و فریاد تکبیر مردم به پایان رسید. در حالی که بعضی از اعضای ائتلاف از لهجه تند شهید مزاری ناراحت و عصبانی شده بودند و برخی هم اعلامیه و جزوهای بر ضد وحدت پخش کرده بودند؛ اما مردم و عموم طلاب از قاطعیت شهید مزاری و شهید صادقی نیلی فوق العاده اظهار خرسندی می کردند؛ چون می دانستند که بدون این نوع قاطعیت، کار وحدت پیش نمی رود.

۱۲. اولین مجمع شیعیان افغانستان در تهران

همزمان با ورود هیأت عالی رتبه حزب وحدت اسلامی افغانستان، مجمعی به نام «مجمع شیعیان افغانستان» به میزبانی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در تهران برگزار شد. در این مجمع چند صد نفر از شیعیان افغانستانی مقیم پاکستان، آمریکا، اروپا و ایران شرکت کرده بودند و ورود هیأت حزب وحدت هم طوری ترتیب یافته بود که بتواند در این مجمع شرکت کند و محل استقرار هیأت هم همان هتلی بود که در آنجا مجمع شیعیان به مدت سه روز از ۲۲ تا ۱۳۳۸/۱۲/۲۵ همزمان با نیمه شعبان آن سال دایر می شد. فرصت بسیار مناسبی برای ارائه آرا و افکار و طرح ضرورتها و نیازها و مشکلات جامعه شیعی افغانستان بود و به همین جهت، بین اعضای شورای ائتلاف و هیأت حزب وحدت نیز رقابت و اختلافی در این رابطه پدید آمد؛ زیرا شورای ائتلاف چون قبلاً در جریان این مجمع بود و در برنامه ریزی آن اشتراک داشت، چنین فکر می کرد که مجمع شیعیان باید به نام ائتلاف اعلام و ختم شود؛ اما هیأت حزب وحدت هم با عجله و شتاب به این مجمع دعوت و کشانده شده بود و انتظار داشت که از تربیون این مجمع، حزب وحدت مطرح و اعلام شود و در واقع از همین جلسه ائتلاف تبدیل به وحدت شود و در واقع هم هردو طرف حق داشتند؛ زیرا مجمع به نام هر کدام که برگزار و اعلام می شد، طرف دیگر ضرر می کرد و باید از صحنه کنار می رفت و اگر به نام هردو اعلام می شد، باز هم موجب اختلاف می شد و به این معنا تلقی می شد که گویا حزب وحدت، گروه جدیدی از گروه های عضو شورای ائتلاف است. در حالی که در حقیقت، حزب وحدت را هم همان گروه ها در داخل کشور تأسیس کرده بودند.

بنیاد اندیشه

تأسیس ۱۳۹۴

این اختلاف نظر زمانی حادث شد که جلسه اول مجمع در تالار هتل استقلال آغاز به کار کرده بود؛ اما هیأت حزب وحدت در اتاق شهید مزاری تشکیل جلسه داده بود و تصمیم گرفت که در جلسه مجمع شرکت نکند و من و جمعی دیگر از علما و طلاب هم در سالن هتل و راهرو اتاق های هیأت در انتظار نشسته بودیم و به این عقیده بودیم که اگر هیأت شرکت نکند، ما هم به خاطر احترام هیأت و حمایت از وحدت، در جلسه شرکت نکنیم. وضعیت بسیار پرتنش بود و مسئولین شورای ائتلاف هم چون آقای اخلاقی، سخنگوی وقت شورا، و آقای خلیلی و جمعی از مسئولین وزارت امور خارجه ایران، در اتاق

استاد مزاری در حال رفت و آمد بودند و استاد مزاری اصرار داشت که ما شرکت نمی‌کنیم؛ اما شما اجازه دارید مجمع را به نام ائتلاف مطرح کنید و از حزب وحدت اصلاً نام برده نشود و شورای ائتلاف هم می‌گفت گزارش مجمع به نام هردو اعلام شود. اما سرانجام، آقای اخلاقی، سخنگوی ائتلاف، پیشنهاد کرد که گزارش مجمع به نام هیچ‌کدام مطرح نشود و من هم به نام سخنگوی ائتلاف سخنرانی نمی‌کنم و اجازه بدهیم مجمع برگزار شود و اعضای مجمع هم در این باره نظر بدهند. این پیشنهاد تنها راه‌حل ممکن بود و هیأت حزب وحدت هم آن را پذیرفت و همگی بلند شدند و دسته‌جمعی در تالار مجمع رفتیم.

در روز اول و دوم مجمع، فضای جلسه چندان به نفع وحدت نبود و از هیأت و طرفداران وحدت هم کسی سخنرانی نکرده بود؛ اما در روز سوم وضعیت به کلی عوض شد. چند نفر از طرفداران وحدت به‌شمول آقای مزاری به‌عنوان سرپرست هیأت سخنرانی کردند و گزارش کاملی از جریان تأسیس حزب وحدت ارائه دادند و استاد مزاری هم در این سخنرانی، برخلاف سخنرانی بهشت زهرا، با لحن ملایم‌تر صحبت کرد و حضار هم با تکبیرهای کوبنده موافقت و حمایت خود را از وحدت اعلام می‌داشتند؛ به‌گونه‌ای که بعدها یکی از گردانندگان مجمع می‌گفت: «در آن تکبیرها که به حمایت از وحدت (در حین سخنرانی استاد مزاری) تالار هتل استقلال را به لرزه درآورد، حزب وحدت را تضمین کرد و به همه فهماند که جریان وحدت یک جریان سالم و برحق است و از همان‌جا معلوم شد که آینده از حزب وحدت است.»

۱۳. مذاکرات هیأت حزب وحدت اسلامی با شورای ائتلاف

به تاریخ ۱۳۶۹/۱/۱۱، در جلسه شورای ائتلاف با حضور همه اعضا موضوع وحدت و هیأت حزب وحدت مورد بحث قرار گرفت و همگی نظرات خود را ارائه دادند و قرار شد که یک جلسه عمومی و دسته‌جمعی با حضور همه اعضای ائتلاف با هیأت حزب وحدت دایر شود و هرکس نظری دارد، در جمع ارائه بدهد و لذا به تاریخ ۱۳۶۹/۱/۱۴، به افتخار هیأت حزب وحدت، ضیافت شامی از سوی آقای ابراهیمی ترتیب یافت و بعد از صرف شام، آقای ابراهیمی ضمن گفتن خیر مقدم به هیأت گفت: «امیدوارم این نشست‌ها مقدمه یک حرکت بزرگ و مخلصانه شود. هدف ما این است که مسلمین یک واحد باشند و در برابر دشمنان صف واحدی را تشکیل بدهند و در مقطعی هستیم که اگر وحدت همیشه کارساز بوده، امروز کارسازتر است و امیدوارم که برادران صریحاً نظر خود را بیان کرده و به توافق نظر برسند.»

بعد هم آقای اخلاقی، سخنگوی ائتلاف، ضمن صحبت مفصلی گفت: «درباره وحدت دو سال کار

شده و بیش از صد نفر از مسئولین و قوماندانان جهاد همه گروه‌ها آن را امضا کرده‌اند و چند هیأت بین داخل و خارج مبادله شده و توافق صورت گرفته است. اگر ما همه این کارها را نادیده بگیریم، بدین معناست که برای شخصیت‌های خود و برای خودمان هیچ‌گونه ارزشی قایل نیستیم و علاوه بر آن ما باید موقع شناس باشیم و بدانیم که افغانستان فعلاً در چه شرایطی قرار دارد و ما در چه وضعیتی هستیم. من از همه دوستان خواهش می‌کنم که در این قضیه با تدبیر برخورد کنید و برای کار خود و سرنوشت مردم خود ارزش قایل باشید.»

بعد هم شهید مزاری به عنوان سرپرست هیأت به سخن آغاز کرده و ضمن تشکر از آقای ابراهیمی، به تشریح روند تشکیل حزب وحدت پرداخت و گفت: شرایط و ضرورت‌ها را آقای ابراهیمی و آقای اخلاقی توضیح دادند و من اضافه می‌کنم که ممکن است بعضی از برادران تصور کنند که این وحدت در داخل به وجود آمده و مادر در مقابل یک عمل انجام شده قرار گرفته‌ایم. در حالی که چنین نیست. این همه نشست‌ها در داخل تشکیل شد و هیأت‌ها آمدند و نمایندگان شما حضور داشتند و توافق حاصل شد. من از شما خواهش می‌کنم که بیش از این موضوع را طول ندهید و فیصله کنید. امروز شرایط حساس هست و ما در افغانستان اقلیت هستیم و در حالی که ما ۲۵ تا ۳۰ درصد جمعیت افغانستان را تشکیل می‌دهیم، دیگران ما را ۲ تا ۸ درصد می‌دانند، و با این وضعیت ما تا هویت واحد سیاسی پیدا نکنیم، با پراکندگی حتی به صورت ائتلاف هم که باشد به اهداف خود نمی‌رسیم.

بعد از شهید مزاری بقیه اعضای ائتلاف آغاز سخن کرده و هریک دیدگاه‌ها و ملاحظات خود را ارائه دادند و از آن‌جا که جلسه طول کشید، دنباله آن به فردا موکول شد.

به تاریخ ۱۳۶۹/۱/۱۵، از ساعت ۹ تا ۱۲، دور دوم مذاکرات آغاز شد و آقایان ابراهیمی، ناطقی، فاضل، بحر، خلیلی، لولنجی، هاشمی سنگچارکی، اخلاقی، محسنی ارزگانی، هادی بهسودی، سید ظاهر محقق، شفق سرپلی، شیخ‌زاده، زمانی، جاوید و شهید صادقی نیلی صحبت کرده و دیدگاه‌های خود را بیان داشتند که در نتیجه، اکثریت موافقت خود را با وحدت اعلام داشتند جز آقای جاوید که این مسئله را به نظر آیت‌الله محسنی، رهبر حرکت، موکول کرد و دو سه نفر دیگر هم تردیدها و سؤال‌هایی داشتند.

در دور سوم مذاکرات که بعد از ظهر همان روز ادامه یافت، شهید مزاری در موضوعات مختلف شکل‌گیری وحدت و توافقات و تشکیلات آن، توضیحات مفصل ارائه داد و گفت: اختلافات گروه‌ها در داخل به حدی بود که هواداران یک گروه به منطقه گروه دیگر تردد نمی‌توانستند، قوماندانان شما هم به‌طور سرخودانه با مراکز و کانال‌های مختلف ارتباط و زد و بند پیدا کرده بودند و اگر این وحدت

صورت نمی‌گرفت، اوضاع به کلی آشفته و از هم پاشیده بود.

ایشان افزود: ما در یک فضای بسیار دوستانه و علی‌رغم همه مشکلات و خصومت‌های داخل، میثاق وحدت را امضا کردیم؛ ولی اصلاً فکر نمی‌کردیم که در خارج کشور این موضوع با مشکلات مواجه شود. چون می‌دیدیم که در خارج ائتلاف وجود دارد و برادران در کنار همدیگر هستند.

آقای مزاری هم چنین گفت: اگر در مورد تشکیلات حزب و کمیته‌ها و انتخابات اعضای شورای مرکزی و مسئولین کمیته‌ها حرف و انتقادی وجود داشته باشد، قابل قبول است. آقایان در همین ماه جوزا که نزدیک است، داخل تشریف ببرند و نظریات خود را مطرح کنند، همه چیز قابل حل است و من از شما برادران تقاضا می‌کنم که بیش‌تر از این طول ندهید. در داخل مشکلات و کارها بسیار زیاد است و ما باید برویم و هرچه سریع‌تر وحدت را اعلام کنید، بهتر است.

بعد از صحبت‌ها و مذاکرات مفصلی که در این سه دور انجام شد، اکثریت موافقت خود را اعلام کردند. تنها موضع حرکت اسلامی به آمدن آیت‌الله محسنی از پاکستان موکول شد و اختلاف نظرهایی هم در داخل نمایندگان شورای اتفاق و پاسداران جهاد وجود داشت که در پایان جلسات تأکید شد که تا دور بعدی مذاکرات، نظرات آنان نیز مشخص و روشن شود.

۱۴. سفر هیأت حزب وحدت اسلامی به مشهد و قم

در اثر درخواست‌های مکرر هزاران نفر از مهاجرین و علما و طلاب مقیم مشهد و قم از هیأت حزب وحدت، قرار شد بعد از ختم مذاکرات با شورای ائتلاف، هیأت حزب وحدت سفری به مشهد و قم انجام دهد که به تاریخ ۱۳۶۹/۱/۱۶، هیأت وارد مشهد شد و مورد استقبال با شکوه مردم قرار گرفت و در مراسم سخنرانی که در مسجد بزرگ گوهرشاد دایر گردید، سخنگوی شورای ائتلاف، جناب آقای اخلاقی، رسماً تأیید خود را از وحدت اعلام داشت و بعد هم آقایان صادقی نیلی و هادی بهسودی به تفصیل درباره شکل‌گیری و ضرورت وحدت صحبت کردند و بعد از آن هم در طول چند روز دیگر، برنامه دیدار با اقشار مختلف مهاجرین و علما و نمایندگان گروه‌ها و مقامات محلی جمهوری اسلامی ایران ادامه داشت و جنب و جوش بی‌سابقه‌ای در مشهد پدید آمده و ده‌ها اعلامیه از طرف اقشار مختلف در حمایت از وحدت منتشر شده بود.

هیأت حزب وحدت با کسب پشتوانه عظیم مردمی در مشهد، به تاریخ ۱۳۶۹/۱/۲۱، به تهران بازگشت و به تاریخ ۱۳۶۹/۱/۲۵، مطابق با نیمه دوم ماه رمضان، این هیأت وارد قم شد و مورد استقبال بی‌سابقه مردم و علمای حوزه قرار گرفت و برای چند روز برنامه ملاقات با طلاب و مردم

همچنین مراجع عظام حوزه علمیه قم ادامه داشت و در طول پنج شب (از ۱۹ تا ۲۳ رمضان) بعد از افطار مراسم سخنرانی برگزار می‌شد و هر شب دو نفر از اعضای هیأت سخنرانی می‌کردند که بسیار با شکوه و پرجوش بود و مردم و طلاب با عطش و اشتیاق به این سخنرانی‌ها گوش می‌دادند. در آخرین شب مراسم، قطع‌نامه‌ای توسط این جانب (سرور دانش) تهیه و قرائت شد و از آن‌جا که این قطع‌نامه منعکس‌کننده احساسات و فضای آن روز و خواست‌های مردم و دفاتر گروه‌ها در قم بود، متن آن را در این جا نقل می‌کنیم.

قطع‌نامه پایانی مراسم در قم

بسم الله الرحمن الرحيم

قطع‌نامه پایانی کمیته استقبال و ستاد برگزاری مراسم

و اعتصموا بحبل الله جمعياً و لاتفرقوا و اذكروا نعمة الله عليكم اذ كنتم اعداء فالف بين قلوبكم فاصبحتم بنعمته اخواناً...

همگی به رشته دین خدا چنگ بزنید و به راه‌های متفرق نروید و به یاد آرید این نعمت بزرگ خدا را که شما با هم دشمن بودید، خدا در دل‌های شما الفت و مهربانی انداخت و به لطف خداوند همه برادر دینی همدیگر شدید، در صورتی که در پرتگاه آتش بودید، خدا شما را نجات داد.

باری، بدین سان خداوند آیاتش را برای راهنمایی شما بیان می‌کند؛ باشد که به مقام سعادت هدایت شوید (قرآن کریم/سوره آل عمران).

پس از دوازده سال رنج و محنت و تلخ‌کامی و نگرانی، اکنون خداوند بزرگ را سپاسگزاریم که در بهار سال ۶۹ و در ایام ماه عبادت و خودسازی، بعد از سال‌ها اضطراب و انتظار، نعمت بزرگ وحدت و یکپارچگی را برای ملت ما ارزانی ساخته و در واقع این سنت لایزال الهی در تاریخ است که در روند جنگ و تعارض و اضداد، ارزش و مقام و موقعیت واقعی هر شیء و هر پدیده را می‌نمایاند و لذا اگر نبود ده سال رنج و محنت گذشته و ده سال تفرقه و تعدد و اختلاف و پیامدهای سوء اسفناک آن، ما هرگز نمی‌توانستیم لذت و طعم شیرین وحدت را بدین خوبی درک کنیم، و خدا را شاهد می‌گیریم که در طول سال‌های گذشته هیچ‌گاه مراسم و محافلی با این خلوص، صفا، صمیمیت و رضایتمندی نداشته‌ایم. البته، هرگز معتقد نیستیم که ده سال گذشته هیچ دستاورد مثبتی برای ملت ما نداشته است. مردم ما در دهه گذشته حماسه‌ها و

افتخارات بزرگی در تاریخ خود خلق کردند و به دستاوردهای مهمی نایل آمدند و همین تجربه ده ساله است که اکنون ملت ما را به این نقطه عطف مهم مرحله سرنوشت‌ساز تاریخی رسانده که با خود آگاهی کامل اسلامی و ملی و اجتماعی این بازگشت عظیم به خویشتن و این تحول ژرف درونی و بیرونی را پدید آورده است، و همین است فلسفه اصلی یک «توبه اجتماعی» یعنی آگاهی کامل از گذشته، ارزیابی و نقد سازنده گذشته، بازگشت به مسیر راست و مستقیم و تصمیم خلل‌ناپذیر در ادامه حرکت به سوی آینده درخشان و هدف پاک و مقدس، و اکنون ملت ما به این توبه انقلابی و اجتماعی دست زده است.

هیأت محترم حزب وحدت اسلامی افغانستان!

درست است که شما هریک از پیشتازان و پیشگامان مبارزه و راهبران و فرماندهان بزرگ جهاد و انقلاب و شخصیت‌های محبوب جامعه ما بوده و هستید؛ اما این استقبال‌های گرم و پرشور و بی‌سابقه و این همه احترام و ابراز احساسات پاک مردم مهاجر به‌خاطر شخص شما نیست؛ به‌خاطر آن مرام مقدسی است که شما حامل و پیام‌آور آن هستید، به‌خاطر آن هدف پاک و بزرگ اسلامی و ملی است که شما امروز مظهر تبلور عینی و عملی آن هستید و این هدف و آرمان مقدس را پیش می‌برید و تا آن زمان که حامی این مرام هستید و این هدف و آرمان مقدس را پیش می‌برید، توده‌های میلیونی مردم پشتوانه شما و دست خدا یار و مددکار شماست.

ستاد برگزاری مراسم که با همکاری جمعی از طلاب و نمایندگان دفاتر قبلی قم تشکیل شد و زحمت و مسئولیت برگزاری مراسم استقبال از هیأت معظم در تهران و در قم و این مراسم پنج‌شنبه را به عهده داشته است، ضمن تشکر و تقدیر از همه اقشار مهاجرین عزیز و تشکر از شما هیأت معظم که در این پنج شب و روز با کمال صبر و حوصله و بزرگواری به احساسات مردم پاسخ گفتید و پیام سنگرهای جهاد را برای ما ابلاغ کردید، خواسته‌های خود را که خواسته همه مهاجرین هم‌وطن ما است، به شرح زیر اعلام می‌دارد:

۱. ما ضمن عرض خیرمقدم مجدد به هیأت محترم، تشکیل حزب وحدت اسلامی افغانستان را به ملت افغانستان و مهاجرین و مجاهدین و سنگرداران انقلاب، تبریک گفته و با حمایت و پشتیبانی همه‌جانبه از هیأت معظم حزب وحدت، پیوستن خود را به حزب وحدت اسلامی افغانستان اعلام می‌داریم.

۲. از آنجا که مشروعیت و اعتبار حزب وحدت با حمایت قاطع همهٔ اقشار مردم، صد در صد به اثبات رسیده و هیچ‌گونه شک و تردیدی در این رابطه باقی نمانده است، ما از هیأت معظم و مسئولین بسیار محترم گروه‌های قبلی و مقامات جمهوری اسلامی ایران، جداً خواستاریم که بیش از این درنگ نکرده، موجودیت این حزب، یعنی تنها حزب مردم افغانستان و انحلال گروه‌های قبلی را به‌صورت رسمی از رسانه‌های جمعی اعلام نمایند.

۳. ما از این پس در همهٔ موضع‌گیری‌های سیاسی، رسمی و مذاکرات مجامع و محافل بین‌المللی تنها حزب وحدت اسلامی افغانستان را نمایندهٔ رسمی و قانونی مردم تشیع افغانستان دانسته و از مرام و مواضع آن پیروی و حمایت می‌کنیم.

۴. از آنجا که در آستانهٔ دوازدهمین سالگرد کودتای ننگین ۷ ثور قرار داریم و قطعاً طبق معمول هر سال، راهپیمایی‌هایی از طرف مهاجرین در این روز برگزار می‌شود، از هیأت معظم و مسئولین محترم گروه‌های قبلی و مهاجرین و مسلمین خواستاریم که راهپیمایی امسال را باید به‌عنوان «راهپیمایی وحدت» و زیر نظر حزب وحدت اسلامی افغانستان برگزار نمایند.

۵. ما از هر لحظه که هیأت معظم حزب وحدت دستور صادر کند، برای ادغام دفاتر و نمایندگی‌های گروه‌های قبلی در قم و گشایش نمایندگی واحد حزب وحدت اسلامی افغانستان در قم آمادگی کامل خود را اعلام می‌داریم.

۶. ما از همهٔ اقشار مردم، اعم از علما، اساتید، طلاب، دانشجویان، دانش‌آموزان و کارگران تقاضا داریم که بیش از پیش در ایجاد زمینهٔ تفاهم و جو اخلاص و صمیمیت تلاش کرده و با روحیهٔ عفو و گذشت و با حفظ درایت و هوشیاری، از هرگونه سخن و عمل تفرقه‌آمیز و تبلیغات سوء و بدبینی و بدگمانی اجتناب نموده و توأم با صداقت و صمیمیت با حزب وحدت اسلامی افغانستان همکاری نمایند.

ربنا إنا سمعنا منادياً ينادي للإيمان أن آمنوا بربكم فآمنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا و كفر عنا سيئاتنا و توفنا مع الأبرار. ربنا آتنا ما وعدتنا على رسلك و لاتخزننا يوم القيامة انك لاتخلف الميعاد. ربنا اغفر لنا و لاخواننا الذين سبقونا بالإيمان و لاتجعل في قلوبنا غلاً للذين آمنوا ربنا انك رثوف رحيم. صدق الله العلي العظيم.

آنچه که در سفر قم و مشهد دستاورد مهمی برای هیأت حزب وحدت شمرده می‌شد، کسب حمایت گسترده و بی‌سابقه مردم از حزب وحدت بود و همین کافی بود که به‌طور طبیعی حزب وحدت اسلامی جایگزین شورای ائتلاف شود و در میان اعضای شورای ائتلاف هم تقریباً اکثریت آقایان عضو، با وحدت موافقت کرده بودند و خود دفاتر و اعضای احزاب در تهران و قم و مشهد و اصفهان و... به‌طور عموم حامی وحدت بودند و در آن مدت اندک صدها اعلامیه و طومارهای امضای چندصد نفری از هر شهر به حمایت از وحدت تهیه و منتشر می‌شد و استاد مزاری هم موافقت کرد و من تعداد ۷۰ اعلامیه را از اقشار مختلف جمع‌آوری و به نام «بیانیه‌ها و اعلامیه‌ها و طومارهای حمایت از حزب وحدت اسلامی افغانستان» تنظیم و منتشر کردم که فهرست آن اعلامیه‌ها به شرح ذیل است:

۱. اعلامیه جمعی از طلاب و فضایی پاسداران جهاد اسلامی و سازمان نصر افغانستان و جمعی از طلاب غیر گروهی.
۲. اعلامیه علما و طلاب مستقل افغانستان مقیم حوزه علمیه قم.
۳. اعلامیه جمعی از طلاب سمت شمال افغانستان.
۴. اعلامیه طلاب افغانستان مقیم حوزه علمیه امیرالمؤمنین - تهران.
۵. بیانیه پاسداران جهاد اسلامی افغانستان - مشهد.
۶. بیانیه بخش فرهنگی سازمان نصر - کتابخانه قائم آل محمد.
۷. اعلامیه مهاجرین و کسبه کاران افغانستان - مشهد.
۸. اعلامیه علما، طلاب و دانشجویان سازمان نصر - مقیم قم.
۹. اعلامیه علما، طلاب و دانشجویان سازمان نصر - بخش بهسود.
۱۰. در راهپیمایی شش جلدی قم چه گذشت؟.
۱۱. بیانیه روحانیون و مهاجرین هوادار سازمان نصر - مشهد.
۱۲. اعلامیه طلاب افغانستانی جامعه امیرالمؤمنین - تهران.
۱۳. اطلاعیه علما، روحانیون و محصلین افغانی مقیم قم.
۱۴. اعلامیه عده‌ای از طلاب افغانستان مقیم حوزه علمیه قم.
۱۵. اعلامیه ستاد برگزاری مراسم استقبال از هیأت حزب وحدت.

۱۶. اعلامیهٔ علما و طلاب ولایت غزنی مقیم قم.
۱۷. بیانیهٔ شماره دوم جامعهٔ روحانیت شمال افغانستان.
۱۸. اعلامیهٔ علما و طلاب مستقل افغانستان مقیم قم.
۱۹. حزب وحدت جرقهٔ امید.
۲۰. اعلامیهٔ علما و طلاب ولایت ارزگان مقیم قم.
۲۱. بیانیهٔ احزاب و سازمان‌های عضو ائتلاف - مشهد.
۲۲. اعلامیهٔ طلاب دایکندی (دره خودی).
۲۳. اطلاعیهٔ طلاب افغانستانی حوزهٔ حضرت عبدالعظیم.
۲۴. اطلاعیهٔ اعضای شورای مرکزی اتفاق اسلامی افغانستان.
۲۵. اعلامیهٔ مدرسین و طلاب افغانی مقیم حوزهٔ علمیّه سوریه.
۲۶. اعلامیهٔ حجه الاسلام قاسم علی شریفی.
۲۷. اعلامیهٔ مهاجرین افغانی مقیم یزد.
۲۸. اعلامیهٔ طلاب، دانشجویان، دانش‌آموزان و مهاجرین دره صوف - مشهد.
۲۹. اعلامیهٔ طلاب افغانستانی مدرسه الجواد - قم.
۳۰. اعلامیهٔ جمعی از اساتید و طلاب افغانی مقیم مشهد.
۳۱. اعلامیهٔ نمایندگی شورای اتفاق قبلی (آقای مهدوی).
۳۲. اعلامیهٔ جمعی از اساتید و طلاب لعل، تلخک، سرچنگل و کرمان - مشهد.
۳۳. اعلامیهٔ جمعی از طلاب و مجاهدین و مهاجرین بهسود، ترکمن و کابل مقیم مشهد.
۳۴. اعلامیهٔ طلاب و مهاجرین یکه‌ولنگ، پنجاب، ورس، لعل، سرچنگل، بامیان، شهیدان و سیغان - مشهد.
۳۵. اعلامیهٔ طلاب افغانی حوزهٔ علمیّه اصفهان.
۳۶. اعلامیهٔ طلاب افغانستانی - شیراز.
۳۷. اعلامیهٔ حرکت انقلاب اسلامی افغانستان.
۳۸. بیانیهٔ احزاب و سازمان‌های عضو شورای ائتلاف - مشهد.
۳۹. حمایت دانش‌آموزان مسلمان افغانستانی.
۴۰. اطلاعیهٔ انجمن ارشاد اسلامی زنان افغانستانی.

۴۱. دومین اطلاعیه انجمن ارشاد اسلامی زنان افغانستان.
۴۲. اطلاعیه جبهه اسلامی فجر افغانستان.
۴۳. آیت‌الله بهشتی و حزب وحدت اسلامی.
۴۴. ترجم به نسل قربانی.
۴۵. اعلامیه کتابخانه امام محمدباقر (ع) - قم.
۴۶. اعلامیه عده‌ای از طلاب افغانستانی - قم.
۴۷. قطع‌نامه پایانی مراسم وحدت در قم.
۴۸. بیانیه علما، طلاب، مجاهدین و مهاجرین سمنگان و بغلان.
۴۹. اعلامیه طلاب جرگی و برجگی - قم.
۵۰. بیانیه طلاب مدرسه الجواد - قم.
۵۱. اعلامیه علما و طلاب ولایت ارزگان - قم.
۵۲. اعلامیه طلاب و مجاهدین ولایت ارزگان مقیم مشهد.
۵۳. ما برای چندمین بار پشتیبانی خود را از حزب وحدت اسلامی اعلان می‌داریم.
۵۴. بیانیه اساتید و طلاب افغانی حوزه علمیه مشهد.
۵۵. اعلامیه طلاب ولایت بغلان و پلخمری.
۵۶. اعلامیه علما و طلاب مالستان - قم.
۵۷. اعلامیه جمعی از روحانیت افغانستانی مقیم مشهد.
۵۸. اعلامیه کمیته کمک به جنگ‌زدگان افغانستان.
۵۹. دعوت‌نامه اساتید و طلاب افغانی مقیم اصفهان.
۶۰. اعلامیه طلاب، دانشجویان، مجاهدان و مهاجرین دره صوف - قم.
۶۱. اعلامیه طلاب افغانی مدارس سازمان تبلیغات اسلامی در تهران.
۶۲. بیانیه طلاب افغانستانی مقیم اصفهان - ستاد استقبال.
۶۳. اعلامیه جمعی از نجاران مهاجر افغانی مقیم تهران.
۶۴. اعلامیه مجمع قاریان و حافظان قرآن کریم - تهران.
۶۵. اعلامیه طلاب، دانشجویان، مجاهدین و مهاجرین افغانی مقیم ساوه.
۶۶. اعلامیه پژوهش‌های اسلامی - سیاسی جمعی از طلاب و دانشجویان افغانی.

۶۷. بیانیه جبهه اسلامی فجر افغانستان.

۶۸. درد و دیدگاه- پژواک دردمندانه نسبت به تحولات کشور ما از: طلاب جاغوری مقیم حوزه علمیه مشهد مقدس.

۶۹. طومار حمایت و پشتیبانی از حزب وحدت اسلامی با امضای تقریباً ۷۰۰ نفر از علما و طلاب افغانی مقیم مشهد مقدس.

۷۰. نامه علما و طلاب ارزگان مقیم قم به علمای داخل کشور در حمایت از حزب وحدت.

۱۵. ادامه مذاکرات با مخالفین وحدت

بعد از انجام مذاکرات مفصل و طولانی بین حزب وحدت و شورای ائتلاف و سایر شخصیت‌ها و علمای افغانی، مشکلات و موانع اصلی در راه وحدت نیز برطرف شده بود؛ اما از گروه‌ها هنوز حرکت اسلامی نظر موافق نداشت و همان‌طور که در صفحات قبل اشاره شد، نمایندگان حرکت اسلامی تصمیم نهایی را به آیت‌الله محسنی، رهبر حرکت اسلامی، موکول کردند و بر این اساس آقای محسنی نیز از پاکستان به ایران آمد و هیأت حزب وحدت در فرودگاه تهران به استقبال ایشان رفتند و سرانجام قرار شد که به تاریخ ۱۳۶۹/۲/۸، هیأت حزب وحدت اسلامی در محل دفتر حرکت اسلامی در قم رفته با ایشان مذاکره نمایند. در این جلسه که آقایان استاد مزاری، شهید صادقی نیلی، سید هادی، آقای اخلاقی سخنگوی ائتلاف، آیت‌الله قربانعلی محقق، آقای شیخ‌زاده، محسنی ارزگانی و جمعی دیگر حضور داشتند، مذاکرات در دو دور متوالی قبل از ظهر و بعد از ظهر ادامه یافت و آیت‌الله محسنی درباره تشکیل «شورای امامیه» اصرار داشت و از شورای عالی نظارت که به همین منظور در حزب وحدت در نظر گرفته شده بود، اظهار نارضایتی کرده و اعضای تعیین شده آن را واجد شرایط نمی‌دانست و لذا پیشنهاد ایشان در آخر مذاکرات این بود که باید از نو جلسه‌ای تشکیل شود و از هر گروه یک تا سه نفر به عنوان نماینده تام‌الاختیار جمع شوند تا در اطراف قضیه مجدداً بحث شود. این پیشنهاد برای مسئولین وحدت قابل قبول نبود؛ زیرا آنان می‌گفتند: مراحل اصلی در تشکیل وحدت تمام شده و این که بعضی از انتقادات و کاستی‌ها اگر هم باقی مانده باشد، نباید چنین فکر شود که باید همه چیز را از نو شروع کرد. طرفداران وحدت چنین فکر می‌کردند که آیت‌الله محسنی با این پیشنهاد می‌خواهد همه بحث‌های دوساله را از نو شروع کند و با این روش برای موضوع خود توجیه پیدا نماید.

سرانجام، به تاریخ ۱۳۶۹/۲/۱۶، آقای محمدعلی جاوید شرایط مورد نظر رهبر حرکت اسلامی را در مورد قبول وحدت چنین برشمرد:

۱. تشکیل شورای امامیه با این کیفیت که اعضای آن حزبی نباشند و حزب وحدت از آن‌ها تبعیت کند؛
۲. تشکیل شورای قضایی که اعضای آن خارج از حزب باشند و افراد متخلف را محاکمه کنند؛
۳. مقر شورای امامیه هم برای داخل و خارج محفوظ باشد؛
۴. حق تصمیم‌گیری برای داخل و خارج محفوظ باشد؛
۵. در بخش‌های نیمروز، هلمند و فراه نیز حزب کمک کند؛
۶. افرادی که با دولت خلقی ارتباط دارند، محاکمه و اخراج شوند؛
۷. اساس‌نامه حزب اصلاح شود؛
۸. تعینات در تشکیلات حزب از نو صورت بگیرد؛
۹. از این بعد گروه و حزب دیگری هم تشکیل نشود.

ذکر این شرایط و صحبت‌های دیگری که از طرف آقای جاوید و بعد هم از طرف شهید مزاری انجام گرفت، وضعیت را بغرنج‌تر و مشکل‌تر ساخت و تقریباً همگی به این نتیجه رسیدند که ممکن است به این زودی مسائل فیما بین حرکت اسلامی و حزب وحدت حل نشود و باید در آینده مذاکرات ادامه یابد؛ لذا بعد از چندی، آیت‌الله محسنی هم به پاکستان برگشت و فعالیت‌ها در این رابطه به جایی نرسید.

۱۶. حزب وحدت اسلامی در ایران به‌طور رسمی آغاز به کار کرد

به تاریخ ۱۳/۳/۱۳۶۹، جلسه‌ای با حضور آقای ابراهیمی، نماینده رهبری، و اعضای شورای ائتلاف و مسئولین گروه‌ها و هیأت حزب وحدت اسلامی برگزار شد که بعد از قرائت قرآن مجید و صحبت کوتاهی توسط یکی از اعضای ائتلاف، آقای ابراهیمی به سخن آغاز کرد. ایشان طی صحبت طولانی و مفصلی، شرایط حاکم و ضرورت‌ها، نیازها و مشکلات جامعه افغانستان را توضیح داده و تأکید کردند که در شرایط کنونی هیچ راهی جز اتحاد نیست؛ اما این راه را باید حساب‌شده و معقول طی کرد و باید هدف از وحدت این باشد که کلیه گروه‌ها و جناح‌ها را شامل شود و هیچ‌کسی از آن بیرون نماند.

ایشان در ادامه سخنان خود افزود: «من از الان اعلان می‌کنم که تشکل مورد قبول ما که در جمهوری اسلامی ایران می‌تواند فعالیت کند، حزب وحدت اسلامی است و درباره کسانی که تاکنون به وحدت نپیوسته‌اند و گروه‌هایی که در پاکستان هستند، باید تلاش صادقانه صورت بگیرد تا آنان هم ملحق شوند.»

سپس آقای اخلاقی گفت: «من از تلاش‌های شما تشکر می‌کنم؛ مخصوصاً که امروز حزب وحدت اسلامی رسماً آغاز به کار می‌کند و بعد از این، محور حزب وحدت اسلامی است. ما توجه بیش‌تر شما را خواهیم تا بتوانیم یک انسجام کامل و کافی به وجود بیاوریم.»

۱۷. به جای آرم ائتلاف، آرم وحدت نصب شد

روز ۲۷ جوزای ۱۳۶۹، در تاریخچه حزب وحدت اسلامی روز مبارک و میمونی بود؛ زیرا در این روز طی مراسم با شکوهی در تهران با حضور نماینده محترم مقام رهبری ایران و عده‌ای از رهبران گروه‌های جهادی مستقر در پاکستان و تنی چند از مسئولین و مقامات جمهوری اسلامی ایران و اعضای شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی و اعضای هیأت اعزامی، دفتر شورای ائتلاف رسماً به دفتر سیاسی حزب وحدت اسلامی تغییر نام یافت. در این مراسم، پس از تلاوت آیاتی از کلام الله شریف، مراسم تحلیف و سوگند و امضای میثاق وحدت از سوی مسئولین محترم گروه‌های سابق و اعضای شورای ائتلاف انجام گرفت و سپس آقای حسین ابراهیمی، نماینده مقام رهبری ایران، طی سخنانی افتتاح دفتر حزب وحدت اسلامی را تبریک گفت و اظهار امیدواری نمود که تشکیل این حزب گامی در جهت وحدت تمامی نیروهای شیعه و سنی در افغانستان باشد.

آنگاه استاد شهید مزاری، سرپرست و سخنگوی هیأت عالی‌رتبه حزب وحدت اسلامی، از همکاری همه مسئولین تشکر نمود و گفت: «نتایج سفر هیأت اعزامی حزب وحدت به جمهوری اسلامی ایران مثبت بود و همه گروه‌ها در تشکیل و اعلام حزب وحدت اسلامی افغانستان موافقت خود را اعلام کرده و میثاق وحدت را امضا کردند.»

سپس آقای اخلاقی، سخنگوی شورای ائتلاف، با تشکر از فعالیت‌های شورای ائتلاف که برای برهه‌ای از زمان خدمات و فعالیت‌های بسیار شایسته‌ای داشته است، افتتاح دفتر حزب وحدت اسلامی را تبریک گفته و با پایین آوردن آرم شورای ائتلاف، آرم حزب وحدت اسلامی افغانستان را به جای آن نصب کرد و طی صحبتی گفت: «هیأت حزب وحدت پس از مذاکرات متعدد و طولانی با همه گروه‌ها به تفاهم رسید و با نظر تمام اعضای شورای ائتلاف اسلامی، این شورا به حزب وحدت اسلامی تبدیل شد و آرم حزب وحدت جایگزین آرم ائتلاف گردید.»

گفتنی است که در هنگام تعویض آرم، حضار جلسه با شادمانی و سرور کف زدند و تکبیر گفتند و بدین ترتیب دفتر حزب وحدت اسلامی در تهران به‌طور رسمی آغاز به کار کرد و در همان روز هیأتی به نام حزب وحدت مرکب از شهید مزاری، شهید صادقی نیلی، جمعی از دیگر اعضای هیأت اعزامی، آقای اخلاقی، سخنگوی قبلی ائتلاف، و آقای سید ظاهر محقق به‌منظور مذاکره با گروه‌های

هفت‌گانه و مقامات پاکستان عازم آن کشور شدند.

قابل یادآوری است در دوره اول تشکیلات حزب وحدت اسلامی در ایران، شورای نمایندگی حزب با ترکیب ذیل آغاز به کار کرد:

۱. کمیسیون سیاسی: آقای سید رحمت‌الله مرتضوی رئیس کمیسیون سیاسی و سخنگوی حزب و آقایان اخلاقی، خلیلی، عالمی و محقق‌زاده به ترتیب معاون اول و دوم و منشی اول و دوم.
۲. کمیسیون فرهنگی: آقای حسین ناطقی رئیس کمیسیون فرهنگی و آقایان سرور دانش و انوری معاون اول و دوم و یعقوبی منشی کمیسیون.
۳. کمیسیون نظامی: آقای شفق سرپل رئیس و آقایان قیام و صادقی معاونین.
۴. کمیسیون مالی: آقای سید روح‌الله رئیس و آقایان سلطانی و صمیمی و شعیب معاون و منشی.
۵. کمیسیون اطلاعات: آقای رضوانی رئیس و آقایان ابدالی و فهیم معاونین.
۶. کمیسیون قضا: آقای شیخ‌زاده رئیس و حسینی و امینی معاونین.
۷. کمیسیون روابط عمومی: آقایان هاشمی رئیس و هاشمی معاون.
۸. کمیسیون خدمات اجتماعی: آقای یوسف زکی رئیس و انجنیر حسین و انجنیر پارسا معاونین.
۹. کمیسیون صحتی.

بدین ترتیب، شورای نمایندگی حزب در تهران آغاز به کار کرد و در پیش‌شماره هفتمانه وحدت به تاریخ ۱۳۶۹/۷/۱۹ این جانب که معاون فرهنگی و مسئول نشرات حزب انتخاب شده بودم، در سرمقاله‌ای تحت عنوان «میلااد وحدت مبارک باد»، مطلبی را نوشتم که آن را حسن ختام این نوشته قرار می‌دهم.

میلااد وحدت مبارک باد

«... بالاخره پس از سال‌ها رنج و محنت و درد و حرمان و هجران، خورشید درخشان طالع ما از پس دیوارهای زمخت و سرد و جهل و تفرقه طلوع کرد و در پرتو نور گرماآفرین خود، یخ‌بندان‌های تعصب و تعدد و تحزب را ذوب و نابود ساخت و ظلمت‌کده گروه‌گرایی و اختلاف را به معبد روشن و راستین توحید و اتحاد مبدل نمود. طلوع آفتاب حیات‌بخش «حزب وحدت اسلامی افغانستان» بر شما امت اسلامی و شما هم‌وطنان مسلمان و مجاهدین و مهاجرین عزیز مبارک باد. شما که در طول ده سال، طعم تلخ و کشنده تفرقه را چشیدید و زیان‌های جبران‌ناپذیر اختلاف و تصور گروهی

را با همه وجود و هستی خود لمس کردید و در این راه قربانی‌ها دادید و مظلومیت‌ها و حرمان‌ها و درگیری‌ها را متحمل شدید، اکنون دل خوش دارید که عمر جهل و تفرقه به سر آمده و زندگی نوینی در جامعه ما آغاز گردیده است، زندگی نو در پرتو تشکیلات نوین و در سایه رهبری حزب وحدت اسلامی افغانستان که تجسم و تبلور کلیت تشیع افغانستان و مظهر آرمان شهدای به خون خفته انقلاب اسلامی و دربرگیرنده همه گروه‌ها و دسته‌های سیاسی قبلی می‌باشد.

حزب وحدت اسلامی از آن شما است و برخاسته از دردها، آرمان‌ها و حرمان‌های شما و پاسخی بر آه و ناله و اشک یتیمان شما و مرهمی بر زخم‌های دیرینه باقیمانده از دشنه‌های زهرآگین غدر و کین و نفاق و شقاق!

مؤسس و بنیان‌گذار حزب وحدت خود شما هستید، شما توده مردم، شما مجاهدین سرافراز، شما مهاجرین دردکشیده که با صدای بلندتان فریاد کشیدید: آرمان ما وحدت است، بهای خون شهدای ما وحدت است، عزت و شرف ما در وحدت است و پیروزی و بهروزی ما در وحدت است. این شما بودید که با شعار کوبنده «حزب وحدت حزب حق و ضد وحدت ضد حق»، حزب وحدت اسلامی را پایه‌گذاری کردید و بقا و استحکام آن را بیمه نمودید و این شما بودید که با استقبال پرشور و هیجان کم‌نظیر خود از هیأت محترم حزب وحدت، رهبران و فرماندهان مجاهد خود را دلگرمی و اطمینان بخشیدید و در طی صدها نامه و بیانیه و اعلامیه و طومار، خواستار ادغام کامل همه دفاتر و نمایندگی‌های احزاب و سازمان‌های قبلی و افتتاح دفتر واحد حزب وحدت اسلامی شدید و بالاخره با پشتوانه شما در داخل و خارج بود که حرکت وحدت‌خواهی آغاز شد و شتاب یافت و به کمال رسید و اکنون میوه شیرین درخت وحدت، محصول تلاش و فداکاری همه شما است، پس باغبان خوبی باشید و از این بوستان زندگی خود

به‌طور احسن حمایت و حراست نمایندید. **اندیشه**

تأسیس ۱۳۹۴

اکنون در سایه میلاد حزب وحدت، می‌رویم که تولد نشریه «وحدت» در دنیای مطبوعات را نیز جشن بگیریم. هفته‌نامه وحدت، جریده سیاسی - خبری حزب وحدت اسلامی افغانستان است که زیر نظر کمیسیون فرهنگی، هفته یکبار منتشر می‌شود و پروگرام آن این است که جدیدترین حوادث سیاسی و اخبار و گزارش‌های انقلاب اسلامی افغانستان را به تجزیه و تحلیل بکشانند و خبر آخرین رویدادهای صحنه جهاد و انقلاب را به اطلاع شما برسانند...».